

چشم‌انداز منطقه شرق فرات در سوریه

دکتر محمود عباسی¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره 4، پیاپی 80، زمستان 1398؛ صفحات 90-51

تاریخ دریافت: 1398/10/12 تاریخ پذیرش نهایی: 1398/11/25

چکیده

وجود ذخایر غنی نفت و گاز، کشاورزی پررونق و وجود گذرگاه‌های حیاتی و استراتژیک، موقعیت ویژه و ژئوپلیتیکی خاصی به منطقه شرق فرات یا همان منطقه جزیره داده است. نقش این منطقه در اتصال جغرافیایی سوریه با کشور عراق و از طرف دیگر هم‌مرز بودن آن با جنوب ترکیه و حضور جریان‌های کردی متناسب به پ.ک.ک در آنجا، این منطقه را به صحنه رقابت و کشمکش میان قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرده و از طرف دیگر منافع متضارب و ناهمگون بازیگران دخیل در این منطقه اعم از بازیگران بومی و خارجی، چشم‌انداز این منطقه را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، ضمن تبیین اهداف و سیاست‌های بازیگران دخیل و روند مداخله این بازیگران در منطقه جزیره، به سناریوهای احتمالی آینده سیاسی و امنیتی این منطقه می‌پردازد.

یافته‌های مقاله حاکی از آن است که هر چند جریان‌های کردی در پرتو حضور عناصر آمریکایی در این منطقه به ساختارسازی سیاسی و نظامی - امنیتی مبادرت ورزیده و تا کنون از تعامل حداکثری با دولت مرکزی و اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه خودداری کرده‌اند، اما در بلندمدت با توجه به تعارضی ساختاری موجود میان سیستم حکمرانی کردها و سیستم عشیره‌ای این منطقه و مخالفت عشایر با کردها و شکل‌گیری مقاومت محلی علیه حضور نامشروع آمریکا در این منطقه، زمینه برای خروج آمریکا و حاکمیت دوباره دولت مرکزی بر این منطقه فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی

سوریه، شرق فرات، عشایر، کردها، ایران، آمریکا، ترکیه، روسیه

مقدمه

منطقه شرق فرات با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی آن در اتصال جغرافیایی کشور سوریه با عراق و هم‌مرز بودن با ترکیه و همچنین برخورداری از ذخایر غنی نفت و گاز، داشتن کشاورزی پررونق و کشت عمده گندم و گذر دورود فرات و خابور از آن، جایگاه مهمی در تحولات آینده سوریه دارد.

در حال حاضر این منطقه به غیر از دو مربع امنیتی در قامشلی و حسکه و همچنین بخش‌هایی از مناطق مرزی شمالی که در اختیار نظام حاکم بوده، تحت سیطره و کنترل کردها و به‌طور خاص نیروهای دمکراتیک سوریه یا به تعبیر دیگر نیروهای قسد^۱ (وابسته به یگان‌های مدافع خلق) قرار داشته و از طریق سیستم خودگردانی با اتکا بر شوراهای محلی اداره می‌شود. شبه‌نظامیان کرد سوریه موسوم به نیروهای دمکراتیک سوریه به‌عنوان بازیگر اصلی این منطقه در حوزه نظامی - امنیتی شناخته شده و شاخه سیاسی آن موسوم به شورای سوریه دمکرات یا به تعبیر دیگر «مسد» مسئولیت امور سیاسی و ارتباطات خارجی را بر عهده دارد.

در شرایط فعلی، نیروهای دمکراتیک سوریه، حزب اتحاد دمکراتیک، آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی آن و عشایر عرب به‌عنوان بازیگران اصلی این منطقه محسوب شده و جمهوری اسلامی ایران، دولت مرکزی سوریه، روسیه و ترکیه نیز به‌صورت غیرمستقیم بر این منطقه تأثیرگذار هستند. ارزش استراتژیک این منطقه با توجه به وجود گذرگاه مهم بوکمال و نقش آن در اتصال سرزمینی با کشور عراق و همجواری با ترکیه، آن را به یکی از حوزه‌های مهم و استراتژیک برای همه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دخیل در بحران سوریه تبدیل کرده است.

تعارض منافع میان بازیگران دخیل در منطقه شرق فرات، چشم‌انداز این منطقه را با سناریوهای مختلفی گره زده که هر کدام از این سناریوها براساس فرصت‌ها و موانع موجود، آینده ممکن در این منطقه را ترسیم می‌کند. چشم‌انداز این منطقه با توجه به موقعیت ویژه آن در اتصال سرزمینی میان کشورهای عضو محور مقاومت (از عراق تا سوریه و لبنان) از اهمیت بسزایی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

بر همین اساس، مسأله اصلی این پژوهش، بررسی چشم‌انداز منطقه شرق فرات و بررسی سناریوهای احتمالی در این منطقه است. این مسأله دو بعد اساسی دارد: بعد اول

اینکه، بازیگران دولتی و بومی این منطقه چه اهداف و برنامه‌هایی تنظیم کرده‌اند؟ بعد دوم اینکه، چه سناریوهایی برای آینده این منطقه قابل تصور است؟

بر این اساس سازماندهی پژوهش به گونه‌ای انجام شده که در ابتدا مختصات و اهمیت منطقه شرق فرات و سپس روند فعالیت بازیگران این منطقه اعم از دولتی و بومی به تفکیک موضوعی توصیف و تبیین شده و در پایان سناریوهای احتمالی بررسی می‌شوند. سناریوهای احتمالی در ارتباط با منطقه شرق فرات، به تفکیک شامل سه سناریوی تشکیل منطقه امن، شکل‌گیری واحد خودمختار فدرال کردی و اعاده حاکمیت دولت مرکزی بر این منطقه می‌باشد.

چارچوب نظری

علوم اجتماعی همواره با تکثر معانی، مفاهیم و روش‌ها روبرو است. نبود اجماع در خصوص تعریف روش‌شناسی، روش تحقیق، مدل‌ها، چارچوب نظری و مانند آن به یکی از خصوصیات بارز این رشته مطالعاتی تبدیل شده است. تعریف سناریو نیز از این امر مستثنی نیست؛ به گونه‌ای که هیچ تعریف منحصر به فرد یا اجماعی درباره آن وجود ندارد. سناریو توصیفی ساده و عادی از زمان در حال نیست، بلکه سناریوها به دنبال به تصویر کشیدن احتمالات آینده و تحلیل و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده خواهند بود. سناریونویسی به‌عنوان روشی برای آینده‌نگاری، ابزارهایی برای کمک به ما در اتخاذ تصمیم‌های دورنگرانه با عدم قطعیت بالا می‌دهد که امکان یکپارچه‌سازی آینده‌های میان‌مدت و بلندمدت را با برنامه‌ریزی‌های راهبردی کوتاه‌مدت و میان‌مدت فراهم می‌کند.^۱

تاریخچه کاربرد این واژه به دهه ۱۳۱۹ شمسی باز می‌گردد. در آن زمان، واژه سناریو در گفتمان‌های سیاسی کاربردهای فراوانی داشته، اما هنوز به‌عنوان روشی نظام‌مند شناخته نمی‌شد. این واژه که از دنیای هنر به عاریت گرفته شده، با مفهوم جدید نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان روشی برای برنامه‌ریزی نظامی و تحلیل‌های امنیتی ظاهر شد. این روش در بخش‌های دفاعی و نظامی نیروی هوایی آمریکا به‌منظور شناسایی وضعیت دشمن و آماده‌سازی راهبردهای بدیل جنگی مورد استفاده قرار گرفت. در دهه ۱۳۳۹ شمسی، «هرمن کان» که با نیروی هوایی آمریکا همکاری داشت، سناریوها را به‌عنوان

۱. نیوری‌زاده، بهنام، ۱۳۸۸، آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی

ابزاری برای پیش‌بینی کسب و کار و عرصه تجارت مطرح کرد. استفاده از این روش در حوزه غیر نظامی توسط اندیشکده «رند» و مؤسسه «هودسون» که توسط هرمن کان پس از استعفاء از اندیشکده رند تأسیس شده، گسترش یافت.^۱

تحلیل سناریو در ابتدا به معنای گسترش روند «پیش‌بینی و کنترل» در برنامه‌ریزی بود که بر اساس برنامه‌ریزی مبتنی بر پیش‌نگری در دهه ۱۳۳۹ رایج شده بود. به تدریج این نگرش جای خود را به ارزیابی احتمالی آینده‌های بدیل داده که منجر به تخمین و برآورد «محتمل‌ترین حالت» می‌شود. این روش پیشرفتی بنیادین نسبت به دیگر رویکردهای پیش‌نگری نبود و در اواخر دهه ۱۳۳۹ خطاهای این رویکرد به‌طور گسترده شناخته شد، (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۶) اما در اوایل دهه ۱۳۴۹، «پی‌یر واک» ابعاد جدیدی به برنامه‌ریزی سناریو افزود. وی ضمن معرفی این روش به مدیران شرکت نفتی شل، بخش جدیدی با عنوان گروه برنامه‌ریزی به‌منظور بررسی حوادث ممکن و تأثیرگذار بر قیمت نفت تأسیس کرد. از دستاوردها و نقش بزرگ «پی‌یر واک» در فرایند تهیه سناریو این بود که بر مشاهده افراد پشت پرده تصمیم‌ها و نه پدیده‌های فنی یا کلان اصرار داشت. بحران نفتی سال ۱۳۵۲ نیز نشان داد که تحلیل سناریو شرکت شل را در مسیر تفکری قرار داد که پیش‌نگری سنتی هرگز چنین کاری نکرده بود. پیش‌نگری پاسخ‌ها را ارائه می‌کند، اما برنامه‌ریزی سناریویی از افراد می‌خواهد که پرسش‌های حساس را مطرح کنند،^۲ که در سال‌های بعد استفاده از این روش به‌عنوان ابزاری برای مدیریت راهبردی گسترش یافت.

مختصات و اهمیت منطقه شرق فرات

منطقه شرق فرات شامل سه استان دیرالزور، حسکه و رقه بوده و به‌عنوان غنی‌ترین بخش جغرافیایی کشور سوریه از لحاظ منابع آبی، کشاورزی، نفت و گاز محسوب می‌شود. این منطقه حدود یک سوم از کل مساحت سوریه را در بر گرفته و تا پیش از آغاز بحران در این کشور حدود چهار میلیون نفر (۱۷ درصد از کل جمعیت کشور) در این منطقه زندگی می‌کردند. بافت جمعیتی غالب در این منطقه، عشیره‌ای - قبیله‌ای بوده و قوم عرب بیشترین جمعیت را تشکیل

۱. وندر هیدن، کیس، ۱۳۸۹، سناریوها؛ هنر گفت‌وگوی راهبردی، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فن‌آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۸.



داده و در مرتبه دوم کردها به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت قومی در این منطقه حضور دارند. ارزش استراتژیک این منطقه، به جغرافیای غنی انرژی (نفت و گاز)، رود فرات، کشاورزی پرونق (گندم، پنبه و عدس)، پیوستگی ژئوپلیتیکی آن با کشور عراق، هم‌مرز بودن با ترکیه، وجود گذرگاه حیاتی بوکمال و بافت عشیره‌ای - قبیله‌ای آن باز می‌گردد. منطقه شرق فرات به‌عنوان قطب تولید گندم در کشور سوریه قلمداد شده، به‌گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۷ (پیش از وقوع خشکسالی و شروع بحران) حدود ۴ میلیون تن گندم تولید می‌کرد که بخشی از آن جهت تأمین نیاز داخلی بوده و بخشی دیگر به کشورهای اطراف از جمله اردن، مصر و تونس صادر می‌شد؛ تا جایی که گفته می‌شد کشور اردن نیاز خود به گندم را تنها از طریق سوریه تأمین می‌کرد. طی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به علت وقوع خشکسالی، حجم گندم تولیدی در منطقه شرق فرات با افت مواجه شده و تنها برای تأمین نیاز داخلی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در حال حاضر، طبق گفته رئیس مشترک هیأت اقتصادی در اداره خودگردان کردی، میزان تولید گندم در مناطق تحت سیطره کردها در شرق فرات در سال ۱۳۹۷ بین ۵۵۰ تا ۶۰۰ هزار تن بوده، به‌گونه‌ای که حدود ۷۵ درصد اقتصاد این منطقه از طریق کشاورزی و ۱۵ درصد دیگر از طریق دامداری تأمین می‌شود.

منطقه شرق فرات علاوه بر کشاورزی پرونق، بیشترین میادین نفتی سوریه را نیز در خود جای داده؛ تا جایی که حدود ۹۰ درصد از ثروت نفتی سوریه و ۴۵ درصد از ظرفیت گاز تولیدی این کشور در منطقه شرق فرات واقع شده است. گفتنی است که حجم کل ذخایر نفتی سوریه حدود ۲ میلیارد بشکه نفت برآورد می‌شود و این کشور در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز تولید داشته که ۲۵۰ هزار بشکه آن برای مصرف داخلی بوده و بقیه آن صادر می‌شد. مهم‌ترین چاه‌های نفت سوریه در منطقه شرق فرات به تفکیک هر استان و ظرفیت تولید آن در سال ۱۳۸۹ به شرح زیر می‌باشد:

■ استان دیرالزور

- ✓ میدان نفتی العمر با ظرفیت تولید ۸۰ هزار بشکه؛ (تحت سیطره نیروهای دمکراتیک سوریه)
- ✓ میدان نفتی التک با ظرفیت تولید ۴۰ هزار بشکه در روز؛ (تحت سیطره نیروهای دمکراتیک سوریه)

- ✓ میداین نفتی الجفره و کونیکو؛ (تحت سیطره نیروهای دمکراتیک سوریه)
- ✓ میداین نفتی التیم، الورد، الخراطه واقع در جنوب دیرالزور در کرانه غربی رود فرات با ظرفیت تولید ۵۰ هزار بشکه؛ (تحت سیطره دولت مرکزی)

■ استان حسکه: (تمامی میداین نفتی این استان تحت سیطره قسد قرار دارد)

- ✓ میدان نفتی رمیلان با ظرفیت تولید ۹۰ هزار بشکه در روز؛ (طبق گفته برخی کارشناسان تعداد چاه‌های نفتی این میدان حدود ۱۳۲۲ حلقه چاه برآورد می‌شود)
 - ✓ میدان نفتی السویدیه با ظرفیت تولید ۱۱۶ هزار بشکه در روز؛ (حدود ۲۵ حلقه چاه گاز در این میدان واقع شده است)
 - ✓ میداین نفتی الشدادی، الجبسه و الهول با ظرفیت تولید ۳۰ هزار بشکه در روز؛
 - ✓ میدان نفتی الیوسفیه با ظرفیت تولید ۱۲۰۰ بشکه در روز؛
 - ✓ علاوه بر این، دو چاه گاز به نام رمیلان با ظرفیت تولید ۵ میلیون متر مکعب در روز و الجبسه با ۱/۶ میلیون متر مکعب در روز در این استان وجود دارد.^۱
- علاوه بر این، سه سد «البعث، الفرات و تشرین» در استان «رقه» واقع شده و در نزدیکی شهر «عین‌العرب» نیز بزرگ‌ترین کارخانه تولید سیمان سوریه قرار دارد که در اختیار شرکت فرانسوی لافارژ می‌باشد.

بازیگران دولتی دخیل در منطقه شرق فرات

1. آمریکا

دولت آمریکا در دوران «باراک اوباما» پیش از تمرکز بر منطقه شرق فرات و تکیه بر بازیگر بومی کردی به عنوان نیروهای پیاده نظام ائتلاف موسوم به مبارزه علیه داعش، پروژه سرنگونی نظام بشار اسد را با تکیه بر آموزش، تسلیح و تجهیز نیروهای معارض عرب و عشایر محلی موسوم به ارتش جدید سوریه^۲ در کشور اردن دنبال می‌کرد، اما بعد از شکست سنگین این نیروها در جنگ علیه داعش و افتادن سلاح آنها در دست این گروه تروریستی و موفقیت نظام حاکم سوریه در کسب پیروزی‌های بزرگ میدانی از جمله پیروزی در حلب و تغییر معادله نظامی به نفع ارتش سوریه، استراتژی این کشور در راستای تمرکز بر منطقه شرق فرات و تکیه بر بازیگر کردی جهت

۱. پایگاه خبری العالم؛ قابل بازیابی در: <https://www.alalamtv.net/news/4527671/>

۲. جیش سوریا الجدید

انجام مأموریت‌های میدانی ائتلاف تعریف شد؛ به‌ویژه بعد از آنکه بازیگر کردی نتایج درخشانی در مقابله با داعش در پرونده عین‌العرب کسب کرد.

1-1. تمرکز بر منطقه شرق فرات با محوریت بازیگر کردی

آمریکا با تکیه بر بازیگر بومی کردی و به‌طور خاص نیروهای موسوم به دفاع از خلق (YPG) یا همان شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک سعی کرد جغرافیای تحت اشغال خود را در این منطقه در جنگ علیه داعش گسترش دهد تا بدین وسیله قدرت چانه‌زنی خود را در مراحل بعدی بحران سوریه افزایش داده و از طرف دیگر از حضور خود در این منطقه به‌عنوان اهرمی برای اعمال فشار بر نظام حاکم و مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی بهره جوید. در واقع، آمریکا در راستای راهبرد تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در خاورمیانه سعی کرد با تقویت حضور خود در منطقه شرق فرات، مانع از تحقق پیوستگی و اتصال سرزمینی عراق و سوریه و تمرکز نیروهای مقاومت در این نقطه شده و با تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در سطح عملیاتی مقابله کرده و در نهایت زمینه را برای تحدید قدرت ایران فراهم کند که تا کنون در تحقق این هدف ناتوان بوده است.

مقامات امنیتی رژیم صهیونیستی نیز در پی شکست راهبرد آمریکا در سرنگونی نظام بشار اسد و در پی آن حضور نیروهای مقاومت در کنار مرزهای این رژیم، همه تلاش خود را برای استفاده از ظرفیت‌های آمریکا در راستای مقابله با نفوذ ایران و ممانعت از تداوم اتصال سرزمینی محور مقاومت (ایران - عراق - سوریه - لبنان) به کار گرفته و بر همین اساس اولویت اصلی خود در شرق سوریه را مقابله با نفوذ ایران و قطع پیوستگی جغرافیایی میان عراق و سوریه تعریف کردند.^۱

آمریکا در قالب هم‌پیمانی با کردهای سوریه و تشکیل ساختار نظامی موسوم به «نیروهای دموکراتیک سوریه» توانست طی سال‌های گذشته بیش از یک سوم جغرافیای سوریه را تحت

۱. وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی در اوایل سال ۱۳۹۶، در دیدار با مقامات دولتی و کنگره آمریکا، طرحی ۵ ماده‌ای علیه ایران ارائه کرده و خواستار توافق دو کشور در اجرای مفاد آن شده است. مواد این طرح شامل به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان، مخالفت با حضور نظامی دائم ایران در سوریه، اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران با هدف قطع مداخله نظامی ایران و توقف حمایت مالی و نظامی از حزب‌الله و دیگر گروه‌ها، تشدید تحریم‌ها علیه حزب‌الله با هدف تضعیف آن، و در نهایت تعیین راهکارهای اقدام مشترک (آمریکایی - اسرائیلی) با هدف مقابله با اتصال سرزمینی محور مقاومت (از ایران تا لبنان) بود که در بند پنجم آن به‌صراحت عنوان شده، یکی از اهداف مشترک دو طرف، تلاش برای قطع پیوستگی جغرافیایی سوریه و عراق است.

کنترل خود در آورده و همه تلاش خود را برای تثبیت سیستم خودگردانی محلی در مناطق تحت سیطره کردها با هدف ممانعت از بازگشت دیگر بازیگران به کار گیرد. اگرچه آمریکا از همان ابتدا با توجه به اینکه کردهای سوریه از لحاظ تشکیلاتی و سازمانی وابسته به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بودند، با مانع بزرگی به نام ترکیه مواجه شده و بر همین اساس استراتژی دوگانه‌ای را در تعامل با کردها و ترکیه در پیش گرفت؛ واشنگتن از یکسو به دنبال محافظت از برکه کردی در برابر فشارهای شدید ترکیه و رویکرد تقابلی آن در قبال شبه‌نظامیان کرد بوده و از سوی دیگر با اعطای امتیازاتی محدود و کنترل‌شده به آنکارا در جهت رفع دغدغه‌های امنیتی آن، در مسیر کسب رضایت ترکیه گام برداشت.

مقامات نظامی آمریکا با تزریق عناصر عرب و مسیحی به بدنه شبه‌نظامیان کرد (نیروهای دموکراتیک سوریه) از یکسو سعی کردند برای مهار حساسیت‌های ترکیه، ماهیت چند قومیتی به این گروه نظامی داده و از طرف دیگر سعی داشتند با تزریق عناصر عرب به بدنه این گروه نظامی، حساسیت گروه‌ها و عشایر عربی ساکن در شرق فرات را کنترل کرده و زمینه را برای پذیرش حاکمیت این گروه در مناطق عرب‌نشین آماده سازند.

این سیاست آمریکا با هدف حفظ متحد کردی و جلب رضایت متحد ترکی خود به‌صورت هم‌زمان در دوران باراک اوباما و سپس دونالد ترامپ دنبال شد، اما روند تحولات به‌گونه‌ای پیش رفت که منجر به افزایش نگرانی ترکیه نسبت به تهدیدات آینده بازیگر کردی در پرتو افزایش قدرت مانور آنها در مناطق شمالی سوریه شد.

1-2. اعلام عقب‌نشینی نیروهای آمریکا

در پی افزایش تنش‌ها میان ترکیه و آمریکا و تهدید ترکیه به اقدام نظامی در این منطقه، دونالد ترامپ در ۲۹ شهریور ۱۳۹۷ از تصمیم خود مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از منطقه شرق فرات، با این توجیه که پیروزی علیه داعش به پایان رسیده، خبر داد و یک بازه زمانی ۱۰۰ روزه را برای خروج این نیروها از منطقه شرق فرات تعریف کرد، اما او بار دیگر در پی فشارهای داخلی و مخالفت رژیم صهیونیستی از اجرای این تصمیم عقب‌نشینی کرده و بر حضور نیروهای آمریکایی در دو بخش شمالی و جنوبی منطقه شرق فرات با استعداد کمتری تأکید کرد.^۱

۱. پایگاه خبری روسیا الیوم؛ قابل‌بازیابی در: https://arabic.rt.com/middle_east/989918-

3-1. پیشنهاد ایجاد منطقه امن

در گام بعدی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد ایجاد منطقه امن با عمق ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) را برای پیشگیری از اقدام نظامی ترکیه در منطقه شرق فرات مطرح کرد که این تصمیم نیز با مخالفت روسیه و کردهای سوریه مواجه شده و ترکیه نیز بر سر نحوه اجرای آن با آمریکا به توافق نرسید.

4-1. ایجاد مرکز عملیات مشترک

پیش از اعلام توافق آمریکا و ترکیه در خصوص ایجاد مرکز عملیات مشترک با هدف نظارت و مدیریت بر طرح منطقه امن در شمال سوریه، بار دیگر سطح تهدید مقامات بلندپایه ترکیه نسبت به انجام عملیات نظامی گسترده و فراگیر در شرق فرات با روند فزاینده‌ای همراه شد، تا جایی که اردوغان طی سخنرانی‌های مختلف چندین بار نسبت به آغاز عملیات آفندی در منطقه شرق فرات تهدید کرده بود. همزمان با شدت گرفتن سطح تهدیدات ترکیه، مذاکراتی میان دو طرف آغاز شد، اما این مذاکرات در روزهای ابتدایی برای ترکیه قانع‌کننده نبوده و بر همین اساس، لحن تهدید مقامات ترکیه با شدت بیشتری همراه شد تا اینکه سرانجام مقامات نظامی - امنیتی دو کشور بعد از چند دور مذاکرات به توافقی اولیه در خصوص ایجاد مرکز عملیات مشترک نظامی یا به تعبیر دیگر سازکار امنیتی مشترک دست پیدا کردند. مقامات ترکیه از همان روزهای ابتدایی نسبت به تکرار نسخه منبج در منطقه شرق فرات هشدار داده و بر همین اساس گزینه جنگ و عملیات آفندی را به‌عنوان گزینه نهایی در منطقه شرق فرات در صورت عدم پایبندی آمریکا به تعهدات خود در این توافق مطرح می‌کردند. بر اساس این توافق، مرحله اول عملیات حد فاصل دو منطقه رأس‌العین (در استان حسکه) و تل‌ابيض (در استان رقه) بوده که دو طرف اقدام به راه‌اندازی واحدهای گشت مشترک در این منطقه کرده و به موجب آن پهپادهای ترکیه به‌منظور نظارت بر تخریب تونل‌ها و استحکامات نیروهای دمکراتیک سوریه بر فراز این منطقه به پرواز در آمدند. همزمان با اجرای این سازکار، مقامات ترکیه نسبت به عدم اجرای همه بندهای توافق و دیگر جزئیات آن از جمله محدوده منطقه امن و نحوه کنترل آن اعتراض کرده و آمریکا را به تکرار نسخه‌ای شبیه به توافق منبج متهم کرده و حتی بار دیگر بر گزینه نظامی و آغاز عملیات آفندی در منطقه شرق فرات تأکید کردند. در پی تشدید اعتراض مقامات ترکیه و افزایش سطح تهدید،



مقامات آمریکا نسبت به پرواز جنگنده‌های ترکیه بر فراز منطقه مورد توافق چراغ سبز نشان دادند، اما این اقدام نیز منجر به افتخار ترکیه به راه‌اندازی سازکار امنیتی مشترک با آمریکا نشد و بار دیگر سطح تهدید مقامات ترکیه از جمله شخص اردوغان شدت پیدا کرد، به‌گونه‌ای که رئیس‌جمهور ترکیه طی یک سخنرانی در آنکارا، ضمن اشاره به لغو توافق اخیر کشورش با آمریکا گفت: «هدف عملیات احتمالی ترکیه در شمال شرق سوریه، ایجاد یک منطقه امن برای برقراری صلح خواهد بود.»^۱

1-5. عقب‌نشینی نیروهای آمریکا از شمال شرق فرات

همزمان با تشدید فشارهای ترکیه و افزایش سطح تهدید رئیس‌جمهور این کشور مبنی بر آغاز عملیات آفندی در شمال شرق سوریه، دونالد ترامپ در ۱۷ مهر ۱۳۹۸ و طی تصمیمی غافلگیرانه، پایان مأموریت نیروهای ارتش این کشور در شمال سوریه را که به‌منزله چراغ سبزی برای آغاز عملیات آفندی ترکیه در این منطقه بود، اعلام کرد. با گذشت یک روز از اعلام این تصمیم ترامپ، ارتش ترکیه طی عملیاتی موسوم به «چشمه صلح» به مناطق حد فاصل رأس‌العین و تل‌ابيض حمله کرد. تصمیم غافلگیرانه ترامپ با مخالفت مقامات سیاسی آمریکا مواجه شد تا جایی که مجلس نمایندگان این کشور با اکثریت ۳۵۴ رأی موافق در برابر ۶۰ رأی مخالف از تصمیم ترامپ انتقاد کرده و دیگر مقامات این کشور نیز فشارها را بر ترکیه برای توقف عملیات نظامی تشدید کردند، تا جایی که «استیون منوچین»، وزیر دارایی آمریکا، گفت: اگر ترکیه دست به اقدامات نظامی بیشتری در منطقه علیه کردها بزند، تحریم‌ها علیه آن اعمال خواهد شد. بر همین اساس، به‌منظور اعمال فشار بر دولت ترکیه و طبق فرمان اجرایی ترامپ، سه وزیر دفاع، کشور و انرژی ترکیه تحریم شدند.

1-6. توافق ترکیه و آمریکا بر سر اجرای آتش‌بس در شمال سوریه

بعد از گذشت ۹ روز از حمله ترکیه به شمال شرق سوریه و فشارهای آمریکا جهت توقف این عملیات، معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس‌جمهور ترکیه طی مذاکرات فشرده به توافق ۱۳ ماده‌ای برای توقف موقت جنگ در شمال شرق سوریه به مدت ۱۲۰ ساعت (۵ روز) دست یافتند. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین بخش توافق همان بحث «منطقه امن» بود، اما

۱. پایگاه خبری الجزیره؛ قابل‌بازیابی در: <https://www.aljazeera.net/news/politics>

در عین حال این بحث مبهم‌ترین بخش توافق است؛ درست مانند توافق‌های پیشین میان آنکارا و واشنگتن که هیچ‌گاه حدود منطقه امن در آن مشخص نشده و بر همین اساس در این توافق نیز به عمق و طول منطقه امن هیچ اشاره‌ای نشده است.

هرچند با اعلام این توافق، وزیر امور خارجه ترکیه از ایجاد منطقه‌ای امن به عمق ۳۲ کیلومتر و در امتداد ۴۶۰ کیلومتر خبر داد، اما «مظلوم کوبانی»، فرمانده نیروهای دمکراتیک در واکنش به این توافق، منطقه امن را محدود به حد فاصل دو منطقه رأس‌العین و تل‌ابيض دانست. این در حالیست که در خود متن توافق نیز اشاره‌ای غیر مستقیم در تأیید این سخن مظلوم کوبانی دیده می‌شود. بند ۷ این توافق از تعهد ترکیه به تضمین سلامت و رفاه ساکنان همه مناطق مسکونی در منطقه امن که نیروهای ترکیه بر آن سیطره دارند، سخن می‌گوید و در شرایط فعلی نیز منطقه میان تل‌ابيض و رأس‌العین به طول ۱۲۰ کیلومتر تحت کنترل ترکیه قرار دارد.

1-7. عقب‌نشینی کامل آمریکا از دو استان حلب و رقه و تمرکز در دو استان دیرالزور و حسکه

در پی عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از شمال شرق سوریه و آغاز عملیات ترکیه موسوم به چشمه صلح و اشغال دو منطقه رأس‌العین و تل‌ابيض، مقامات نظامی - امنیتی آمریکا همه پایگاه‌ها و مقرهای خود در استان حلب و رقه را به‌طور کامل تخلیه کرده و در دو استان دیرالزور و حسکه و به‌طور خاص در اطراف چاه‌های نفت و گاز در منطقه جزیره متمرکز شدند. در واقع، نیروهای نظامی آمریکا با تخلیه دو استان حلب و رقه و تقویت حضور نظامی خود در دو استان حسکه و دیرالزور، مأموریت خود را در راستای سیطره بر منابع انرژی، کنترل مرزهای شرقی سوریه با عراق و کنترل حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این منطقه تعریف کرده و در این راستا نظامیان آمریکایی ضمن گشت‌زنی در منطقه میان رمیلان در ۳۰ کیلومتری شرق قامشلی و قحطانیه در فاصله ۷۰ کیلومتری شرق این شهر، دو پایگاه جدید یکی در نزدیکی شهر صور واقع در رود خابور (۵۰ کیلومتری شمال شهر دیرالزور) و دیگری در منطقه باغوز در شرقی‌ترین نقطه استان دیرالزور احداث کردند.

1-8. مدیریت و مهارت‌قابل قومی (عربی - کردی) در شرق فرات

مقامات نظامی - امنیتی آمریکا هم‌زمان با مدیریت رفتار ترکیه در منطقه شرق فرات، اقداماتی را در راستای افزایش مشروعیت مردمی کردها در این منطقه و ایجاد انسجام بیشتر میان قبایل



عرب و کرد و مهار تقابل قومیتی میان دو طرف انجام دادند. در همین راستا، نیروهای دمکراتیک سوریه با مدیریت آمریکا اقدام به برگزاری همایش «عین عیسی» با حضور سران و شیوخ عشایر کردند تا زمینه را برای پذیرش حاکمیت و خودمختاری خود در مناطق شرق فرات فراهم ساخته و از ظرفیت عشایر در راستای تثبیت سیستم خودگردانی و دستیابی به مشروعیت مردمی در مناطق تحت سیطره خود بهره ببرند، اما این نشست با مخالفت‌های شدیدی از سوی دولت مرکزی، وزارت امور خارجه روسیه و حتی دیگر عشایر مواجه شده و برخی از شیوخ هم‌پیمان با نیروهای دمکراتیک همچون «حمید دهام الجریبا» به‌عنوان شیخ قبیله شمر و حاکم منطقه الجزیره در حکومت خودگردان نیز، این نشست را تحریم کردند.

«حسن المسلط»، شیخ قبیله الجبور نیز عشایر عرب شرکت‌کننده در این همایش را نماینده جامعه عشایر قلمداد نکرده است. گفتنی است که این نشست در ابتدا قرار بود در سطح یک کنفرانس با حضور عمده عشایر برگزار شود، اما در پی عدم استقبال عشایر و تحریم آن از سوی بخش اعظم شیوخ، سطح نشست از کنفرانس به یک گردهمایی ساده تقلیل پیدا کرد.

همزمان با برگزاری اینگونه همایش‌ها، آمریکا از ظرفیت حوزه عربی و به‌طور خاص عربستان سعودی و نفوذ این کشور در میان عشایر عرب با هدف تقلیل تنش‌ها میان کردها و عشایر و افزایش مشروعیت مردمی کردها بهره می‌جوید و از سوی دیگر تلاش می‌کند از ظرفیت مالی و پولی این کشور در راستای جذب عناصر عرب و همراه ساختن شیوخ قبایل و عشایر با بازیگر کردی استفاده کند. در همین راستا، بعد از افزایش روند تنش و درگیری میان نیروهای دمکراتیک و قبایل منطقه شرق فرات (در شهر الشحیل) و برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیز علیه نیروهای کرد، روز پنج‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ (۱۳ ژانویه)، «ثامر سبهان»، وزیر مشاور عربستان سعودی در حوزه خلیج فارس به همراه برخی از مقامات آمریکایی شامل معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک، «جوئل ریورن»، فرستاده ویژه آمریکا در سوریه، «جیمز جفری»، و همچنین مشاور وزیر امور خارجه آمریکا، «ویلیام روباک»، در پایگاه نظامی آمریکا نزدیک میدان نفتی العمر حضور پیدا کرده و نشست‌هایی را با ریاست شورای مدنی و سران قبایل دیرالزور برگزار کردند.^۱ این نشست بیش از هر چیزی در راستای

۱. پایگاه خبری الجزیره؛ قابل بازیابی در: <https://www.aljazeera.net/news/politics>

بهره‌مندی آمریکا از ظرفیت‌های پولی عربستان سعودی در ایجاد ساختارهای نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی در منطقه شرق فرات و تلاش برای افزایش مشروعیت مردمی کردها و همچنین مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی در این منطقه تعریف می‌شود.

بر اساس آخرین اظهار نظر «جیمز جفری»، فرستاده ویژه آمریکا به سوریه، استراتژی آمریکا در این کشور، در راستای مبارزه با هسته‌های پنهان داعش و تضمین عدم بازگشت دوباره آن، خارج کردن ایران و گروه‌های نظامی وابسته به این کشور از سوریه و پیشبرد فرآیند سیاسی بر اساس قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت تعریف می‌شود. جیمز جفری در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ در جلسه استماع کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا نیز اعلام کرده بود که ایالات متحده به نیروهای دموکراتیک سیاسی سوریه تنها به‌عنوان یک شریک نظامی نگاه کرده و هیچ‌گونه برنامه و طرحی برای آینده سیاسی آنها در شرق فرات ندارد.

2. ترکیه

کشور ترکیه از زمان شروع بحران سوریه، راهبردهای متعددی را در مسیر تحقق اهداف و برنامه‌های خود در کشور سوریه پیاده‌سازی کرد. این کشور در سال‌های اولیه بحران و پیش از آزادسازی حلب، حمایت همه‌جانبه از جریان‌های اخوانی و گروه‌های تروریستی و ساماندهی آنها با هدف سرنگونی نظام بشار اسد و تلاش برای روی کار آمدن دولتی سنی با ایدئولوژی اخوانی را در صدر اهداف خود قرار داده بود، اما گذر زمان نشان داد هیچ یک از ایده‌ها و طرح‌های ترکیه برای آینده سوریه محقق نشده و حتی کنترل و مدیریت شرایط نیز تا حد زیادی از دست آنکارا خارج شده و با چالش‌های مختلفی در داخل و خارج از جمله سیل پناهندگان سوری به سمت مرزهای ترکیه و قدرت گرفتن کردهای سوریه هم‌زمان با ناآرام شدن شهرهای سوریه و در پی آن حملات پی‌درپی اعضای پ.ک.ک به شهرهای مختلف ترکیه مواجه شد.

1-2. مقابله با تهدید کردی در غرب فرات

مقامات ترکیه بعد از قدرت گرفتن شبه نظامیان کرد در شمال سوریه و سیطره آنها بر سه کانتون جزیره (شامل شهرهای مالکیه، قامشلی، حسکه، رأس‌العین، تل ابیض)، عین‌العرب و عفرین و تلاش کردها برای ایجاد پیوستگی و اتصال میان این سه کانتون، یکی از



اولویت‌های اصلی خود را در راستای مقابله با تهدید امنیتی کرده‌های سوریه در مرزهای شمالی سوریه تعریف کرده و در این راستا دو عملیات «سپر فرات» و «شاخه زیتون» را با محوریت نیروهای معارض عرب در بخش غربی رود فرات با هدف ایجاد شکاف میان کانتون‌های کردی در شمال سوریه انجام داده و کانتون عفرین در شمال غرب سوریه را نیز تحت اشغال خود درآوردند.

2-2. مهار تهدید کردی در شرق فرات

همزمان با گسترش قلمرو جغرافیایی نیروهای دمکراتیک سوریه و سیطره کامل آنها بر منطقه شرق فرات، ترکیه با برجسته‌سازی تهدید امنیتی کردی در این منطقه، به دنبال اجرای تاکتیکی شبیه به غرب فرات در منطقه شرق فرات بوده و سعی داشته با تکیه بر نیروهای معارض عربی وابسته به خود عملیاتی را در این منطقه انجام دهد که با مخالفت آمریکا مواجه شد، اما در پی افزایش سطح تهدید ترکیه در انجام این عملیات، دولت آمریکا سعی کرد با اتخاذ تاکتیک‌های مختلفی از جمله اعلام عقب‌نشینی از شرق فرات و پیشنهاد ایجاد منطقه امن و در نهایت تشکیل مرکز عملیات مشترک با حضور عناصر آمریکا و ترکیه، مقامات ترک را از حمله به این منطقه بازدارد.

ترامپ با اعلام بازه زمانی ۱۰۰ روزه برای خروج نیروهای خود از منطقه شرق فرات، به‌رغم عملیاتی نشدن آن، توانست تا حدودی ترکیه را آرام سازد، اما در پی عقب‌نشینی ترامپ از اجرای این تصمیم، بار دیگر ترکیه تهدید به انجام اقدام نظامی در شرق فرات کرد که این بار نیز ترامپ پیشنهاد ایجاد منطقه امن را به ترکیه داده که در ابتدا با استقبال ترکیه مواجه شد، اما دو کشور بعد از مدتی بر سر نحوه اجرای این طرح و انتخاب مجری آن دچار اختلاف شده و این اختلاف تا زمان تشکیل مرکز عملیات مشترک با همکاری آمریکا پابرجا ماند. هر چند انتظار می‌رفت با تشکیل این مرکز عملیات زمینه برای حل اختلافات دو طرف فراهم شود، اما مقامات ترکیه از همان روزهای ابتدایی نسبت به تکرار نسخه منبج در منطقه شرق فرات هشدار داده و بر همین اساس گزینه جنگ و عملیات آفندی را به‌عنوان گزینه نهایی در منطقه شرق فرات در صورت عدم پایبندی آمریکا به تعهدات خود در این توافق مطرح کرده و در نهایت نیز به سمت گزینه جنگ محدود در این منطقه گام برداشتند.

2-3. حمله نظامی محدود به شرق فرات

پس از آنکه تلاش‌های ترکیه برای شکل‌گیری یک توافق بین‌المللی و ایجاد منطقه امن در مرزهای خود با سوریه در پرتو ایجاد مرکز عملیات مشترک با آمریکا بی‌نتیجه ماند، مقامات نظامی - امنیتی ترکیه در پی عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از مرزهای شمالی سوریه با تکیه بر نیروهای پیاده‌نظام موسوم به ارتش ملی عملیات نظامی خود را با عنوان «چشمه صلح» در مناطق حد فاصل رأس العین تا تل ابیض به طول ۱۲۰ کیلومتر با هدف مقابله با نیروهای دمکراتیک سوریه و تخلیه این منطقه از سلاح‌های سنگین و در نهایت زمینه‌سازی برای بازگشت آوارگان سوری آغاز کردند.

حمله نظامی ترکیه با مخالفت‌هایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه شد تا جایی که در نهایت در پی فشارهای بین‌المللی، دو توافق میان این کشور با آمریکا (۱۳ ماده‌ای) و روسیه (توافقی ۱۰ ماده‌ای) به امضاء رسید و به موجب آن هر دو طرف روسیه و آمریکا متعهد شدند با توقف عملیات ترکیه، نیروهای دمکراتیک سوریه از مناطق مرزی به عمق ۳۰ کیلومتر دور شوند. به موجب این دو توافق، ترکیه عملیات نظامی خود در شمال سوریه را متوقف کرد، اما بعد از گذشت چند روز از امضای این دو توافقنامه و پایان مهلت آمریکا و روسیه در دور کردن شبه‌نظامیان کرد از مناطق مرزی، رئیس‌جمهور ترکیه طی یک سخنرانی این دو کشور را به عدم اجرای تعهدات خود بر اساس توافق امضاء شده متهم کرده و بار دیگر تهدید به استمرار عملیات نظامی در این منطقه کرد.

2-4. تقویت نفوذ در میان عشایر شرق فرات

با توجه به اینکه بافت جمعیتی غالب در منطقه شرق فرات، عشیره‌ای بوده و عشایر عرب این منطقه از قدرت تأثیرگذاری بالایی در شکل‌دهی به تحولات آینده این منطقه برخوردار هستند، کشور ترکیه به مانند دیگر طرف‌های داخلی و منطقه‌ای دخیل در پرونده منطقه شرق فرات در مسیر جذب عشایر عرب از طریق توافق با شیخ عشیره و یا جذب مستقیم عشایر جهت پیشبرد منافع و اهداف خود گام برداشت.

از این‌رو، مقامات ترکیه در راستای سیاست تقویت نفوذ خود در بین عشایر و قبایل سوریه با هدف تأثیرگذاری بر روندها و تحولات منطقه شرق فرات و کارشکنی در سیستم خودمختاری کردها و همچنین فراهم کردن زمینه برای ورود نظامی به این منطقه، در ۲۳





فروردین ۱۳۹۶، اقدام به تأسیس شورای عشایر و قبایل سوریه با مشارکت عشیره البکیر و بورحمه و نیز شیوخ مهاجر از عشایر بقاره، شعیطات، البوسرایا و سایر شخصیت‌های نظامی و سیاسی در شهر ارفای ترکیه کردند. این شورا نیز در نشست‌های مختلف ضمن اعلام مخالفت با طرح‌های آمریکا در منطقه شرق فرات، حمایت خود را از ورود نظامی ترکیه به این منطقه اعلام کرد.

در همین راستا، در آذرماه ۱۳۹۷، نشستی در شهر اعزاز در ریف شمالی حلب، با حضور ۱۵۰ عشیره و قبیله (طبق ادعای رسانه‌های وابسته به ترکیه) و با مشارکت ۴۰۰ نفر برگزار شد که شرکت‌کنندگان در بیانیه پایانی، ضمن اعلام مخالفت با نظام حاکم سوریه و تأکید بر سرنگونی نظام بشار اسد و اعلام حمایت از عملیات نظامی ارتش آزاد در منطقه شرق فرات، خواستار حفظ تمامیت ارضی سوریه و مقابله با هرگونه تلاش برای تجزیه کشور و اقدامات جدایی طلبانه از سوی حزب اتحاد دموکراتیک و شاخه نظامی آن شدند. شورای عشایر و قبایل سوریه در اسفندماه ۱۳۹۷ اقدام به گشایش دفتری در ایالت غازی عینتاب ترکیه کرد.^۱

بیان این نکته ضروری است که شکل‌گیری هرگونه سیستم خودگردانی و یا واحد خودمختار فدرال کردی در منطقه شرق فرات با توجه به تبعات نامطلوب آن در داخل ترکیه و تأثیرپذیری کردهای این کشور - که از لحاظ ایدئولوژی و گفتمانی با کردهای سوریه قرابت دارند - با واکنش محکم و مخالفت‌آمیز و حتی رویکرد تقابلی ترکیه در آینده مواجه خواهد شد.

3. روسیه

در ابتدای تحولات سوریه در سال ۱۳۹۰، با وجود اینکه کشور سوریه از سنتی‌ترین متحدان روسیه در منطقه بوده و جزئی از حوزه نفوذ این کشور به شمار می‌رفته، اما روسیه در سال‌های اولیه بحران با توجه به اینکه همزمان درگیر مسأله اوکراین بود، در برابر تحولات میدانی و پیشروی گروه‌های معارض تروریستی، اقدام تأثیرگذاری به جز حمایت‌های لفظی، طرح الگوی روسی در سال ۱۳۹۰، به‌کارگیری ظرفیت‌های بین‌المللی در شورای امنیت، گشایش باب گفت‌وگو میان دولت و معارضان و سرانجام طرح پاک‌سازی سوریه از سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۳۹۲ انجام نداد.

۱. خبرگزاری آنا تولی؛ قابل‌بازایی در: <https://www.aa.com.tr/ar/1345312>

3-1. ورود نظامی روسیه به تحولات سوریه

به دنبال سیطره گروه‌های معارض تروریستی بر بیش از ۷۰ درصد از جغرافیای سوریه و در پی ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران، روسیه از سال ۱۳۹۴ وارد عرصه تحولات نظامی - امنیتی این کشور شده و همه ظرفیت‌های خود را در عرصه بین‌المللی و پوشش هوایی عملیات‌های نظامی و میدانی در جبهه‌های مختلف بر اساس الگوی تقسیم کار و وظیفه با ایران، به کار گرفت. اتخاذ چنین تصمیم و رویکردی از سوی روسیه برآمده از اهداف و منافع بلندمدت و راهبردی این کشور در سوریه بوده که در حوزه‌های مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و موارد دیگر تعریف می‌شود که از جمله آنها می‌توان به تلاش برای جلوگیری از تکرار سناریوی لیبی و عراق، به نمایش گذاشتن ثبات قدم در حمایت از متحدان خود، دسترسی به آب‌های گرم مدیترانه، مهار تروریسم و افراط‌گرایی در سوریه، رقابت ژئوپلیتیکی با غرب و در نهایت مهار آمریکا در سوریه اشاره کرد.

3-2. استراتژی روسیه در شرق فرات

در نگاه سران و رهبران بلندپایه روسیه از جمله شخص «ولادیمیر پوتین»، آمریکا به‌عنوان رقیب استراتژیک روسیه در پرونده سوریه قلمداد می‌شود؛ از این رو، باید در مسیر مهار این کشور و طرح‌ها و برنامه‌های آن که در تضاد با منافع و راهبردهای روسیه در سطح منطقه‌ای و به‌طور خاص در پرونده سوریه قرار دارد، گام برداشت. روسیه با حضور در سوریه به دنبال مقابله و مهار طرح آمریکا در این کشور که بر پایه مدیریت بی‌ثباتی و ناامنی قرار داشت، بوده و در نهایت موفق شد با تغییر معادله نظامی - امنیتی به نفع نظام حاکم سوریه و شکست گروه‌های تروریستی، این طرح را خنثی ساخته و از سرایت آن به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت روسیه جلوگیری کند.

بعد از آن که آمریکا تمرکز خود را بر روی منطقه شرق فرات قرار داد، روسیه نیز ضمن ابراز حساسیت به طرح‌ها و برنامه‌های آمریکا در این منطقه، مخالفت خود را با ساختارسازی ایالات متحده در این منطقه و اتکا بر ابزار کردی در مدیریت تحولات سوریه اعلام کرده و بر اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه تأکید کرد. در این راستا، «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه اقدامات آمریکا در منطقه شرق فرات را نقض حاکمیت سوریه تلقی کرده و نسبت به ایجاد ساختارهای شبه‌دولتی در این منطقه و استفاده از کارت کردی به‌عنوان یک





ابزار با هدف کارشکنی در فرآیند مذاکرات آستانه و سوچی هشدار داده است. علاوه بر این، در پی برگزاری نشست عین عیسی میان کردها و عشایر سوریه، وزارت امور خارجه روسیه ضمن محکوم کردن این نشست، نسبت به تلاش آمریکا برای حضور بلندمدت در سوریه در پرتو ایجاد یک ساختار شبه دولتی در شرق فرات ابراز نگرانی کرد. وزیر امور خارجه روسیه نیز در واکنش به این نشست و تلاش آمریکا در حمایت از کردها، گفت: «ما تردید داریم که آمریکا بخواهد مدت طولانی در آنجا بماند، بهتر است بگوییم برای همیشه می خواهد در این کشور بماند.»^۱

3-3. توافق سوچی و تلاش برای احیای توافق آدنا

بعد از آنکه مهلت پنج روزه آتش بس در شرق فرات به دنبال توافق میان آمریکا و ترکیه به پایان رسید، آنکارا و مسکو به توافق دیگری درباره این منطقه دست یافتند که اردوغان آن را تاریخی توصیف کرد. توافق ۱۰ ماده‌ای سوچی ضمن تأکید بر تعهد دو طرف به تمامیت ارضی و حاکمیت سوریه در برخی از بندها شباهت زیادی به توافق «آدنا» دارد، تا جایی که می توان گفت توافق جدید نسخه‌ای تعدیل شده از توافق آدنا است. بر اساس توافق آدنا، امکان مبارزه ترکیه با گروه‌های تروریستی تا عمق ۵ کیلومتری خاک سوریه وجود داشت، اما توافق سوچی این اجازه را به ترکیه می دهد تا عمق ۱۰ کیلومتری در کنار نیروهای پلیس نظامی روسیه، گشت مشترک داشته باشد. بر اساس این توافق، زمینه برای اعاده حاکمیت نظام سوریه بر مناطق مرزی شمال شرق سوریه و ایجاد پست‌های نظارتی از سوی ارتش در مناطق خارج از عملیات چشمه صلح (بین تل ابیض تا رأس العین) در امتداد ۳۴۰ کیلومتر نوار مرزی فراهم شده و به موجب آن طرح ایجاد منطقه امن با محوریت نیروهای بین المللی با شکست مواجه می شود.

به طور کلی، موضع روسیه نسبت به ساختارسازی آمریکا در منطقه شرق فرات و استفاده آن از ابزار کردی با هدف پیشبرد منافع خود در تحولات سوریه و تلاش برای تداوم حضور در این منطقه یک موضع تقابلی بوده و در واقع آن چیزی که بیش از همه روسیه را نگران می کند، ارتباطات تنگاتنگ کردها با آمریکا و وابستگی آنها به این کشور است. مقامات روسیه بر این باورند که این وابستگی، ناخواسته آنها را در مسیری قرار خواهد داد که تنها

۱. خبرگزاری آنا؛ قابل بازیابی در: <https://ana.press/fa/news/33/260520>

عامل و مهره آمریکا بودن دستاورد کردها خواهد بود، به‌ویژه با توجه به اینکه نیروهای دمکراتیک به‌عنوان یک نیروی تولیدی آمریکا تلقی می‌شوند.

4. جمهوری اسلامی ایران

در پی وقوع بحران در سوریه در سال ۱۳۹۰، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای حامی نظام بشار اسد، وارد این کشور شد و در مسیر حمایت از نظام حاکم سوریه در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای گام برداشت و در این مسیر به دنبال تحقق مجموعه‌ای از اهداف راهبردی از جمله بقای بشار اسد و حفظ سوریه در محور مقاومت و همچنین اتصال سرزمینی عراق با سوریه تا لبنان بود.

در حال حاضر و پس از گذشت هشت سال از بحران سوریه، «بشار اسد»، رئیس‌جمهور این کشور همچنان قدرت را در این کشور در اختیار داشته و این مسأله در نگاه اول بیانگر شکست دشمن در اجرای راهبردهای خود و پیروزی جمهوری اسلامی ایران یا به تعبیر دیگر محور مقاومت در عمل بخشیدن به راهبردهای خود در سوریه می‌باشد.

همزمان با تثبیت موقعیت بشار اسد در عرصه میدانی، گفتمان دشمن (آمریکا و رژیم صهیونیستی) که تا پیش از آن بر پایه بشارزدایی و یا حذف بشار اسد از معادلات قدرت استوار بود، با یک چرخش تاکتیکی به سمت ایران‌زدایی و مقابله با نقش و نفوذ ایران در سوریه و مهار آن تغییر یافته و جبهه مخالف از مطالبه اصلی خود مبنی بر کناره‌گیری بشار اسد از قدرت به‌صورت تاکتیکی عبور کرده و به سمت خارج کردن ایران از سوریه چرخش پیدا کرد.

همزمان با تغییر راهبرد دشمن و تلاش آن برای مقابله با تثبیت نفوذ ایران در سوریه، جمهوری اسلامی ایران همه تلاش خود را در راستای تحکیم و تثبیت نفوذ خود در سوریه به کار گرفت و در این راستا، سعی کرد با تقویت نفوذ در منطقه غرب فرات بعد از پاکسازی آن از حضور داعش، زمینه را برای اتصال جغرافیایی محور مقاومت میان عراق و سوریه و استمرار این پیوستگی فراهم سازد.

در شرایط فعلی، راهبرد جمهوری اسلامی در منطقه شرق فرات، بیش از هر چیزی حفظ اتصال سرزمینی عراق و سوریه از طریق گذرگاه بوکمال و در گام‌های بعدی مقابله با نفوذ و حضور آمریکا در منطقه شرق فرات و زمینه‌سازی برای خروج آن از این منطقه بوده تا به موجب آن زمینه برای اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه فراهم شود. همچنانکه مقام



معظم رهبری در دیدار با بشار اسد مخالفت صریح جمهوری اسلامی ایران را با هر گونه طرحی که با محوریت آمریکا و کشورهای غربی در منطقه شرق فرات اجرا شود، اعلام کردند. طرح ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه یکی از طرح‌های پیشنهادی آمریکا برای اجرا در این منطقه است که رهبر معظم انقلاب ضمن اعلام مخالفت ایران با این طرح و طرح‌های دیگر، بر همراهی و همسویی ایران با نظام سوریه در قبال اجرای هر طرحی که حاکمیت سوریه را نقض کند، تأکید کردند.

5. دولت سوریه

همزمان با شروع بحران در سوریه، نظام حاکم این کشور به منظور ممانعت از گسترش دامنه معارضان و به تبع آن جبهه‌های درگیری و کنترل بزرگ‌ترین اقلیت قومی در منطقه شرق فرات، سعی کرد با اتکا بر سیاست تعامل و همزیستی با کردهای این منطقه و میدان دادن به حزب اتحاد دمکراتیک زمینه را برای سیطره و کنترل نیروهای نظامی وابسته به این حزب در مناطق کردنشین فراهم سازد.

هرچند کردهای سوریه بعد از گسترش سیطره خود بر مناطق کردی در مسیر برقراری سیستم خودمختاری ذاتی در پرتو هم‌پیمانی با آمریکا گام برداشتند، اما روابط دولت مرکزی با کردها در وضعیت نه جنگ و نه صلح برقرار بوده است؛ اگرچه در برخی دوره‌ها نیز درگیری‌هایی به صورت محدود و گاهی شدید میان دو طرف اتفاق افتاده، اما هیچ یک از این درگیری‌ها منجر به تغییر ماهیت روابط کردها با حکومت دمشق و حرکت به سمت خصومت مطلق نشده است.

در شرایط فعلی، نیروهای دمکراتیک سوریه با گسترش مناطق تحت سیطره خود در شرق فرات و دستیابی به چاه‌های نفت و گاز در این منطقه و در پرتو حمایت و پشتیبانی آمریکا به دنبال تثبیت سیستم خودگردانی کردی در منطقه شرق فرات هستند، اما در این مسیر با چالش مشروعیت مردمی در یک منطقه با بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای مواجه‌اند. بر همین اساس، نیروهای دمکراتیک سوریه با برگزاری کنفرانس و نشست با عشایر عرب به دنبال جلب حمایت آنها هستند. برگزاری کنفرانس عین عیسی از سوی نیروهای دمکرات سوریه، سطح تنش را میان دمشق و کردها افزایش داد، تا جایی که دولت مرکزی این اقدام را خیانت تلقی کرده و روسیه نیز ضمن محکومیت برگزاری این کنفرانس، از تلاش آمریکا



برای تشکیل یک شبه‌دولت در منطقه شرق فرات همچون اقلیم کردستان عراق، ابراز نگرانی کرد. از این‌رو، در حال حاضر رقابت شدیدی میان دولت مرکزی سوریه با آمریکا و جبهه دمکراتیک سوریه برای جذب نیروهای عشایر عرب در منطقه شرق فرات و به‌طور خاص استان دیرالزور شکل گرفته است.

5-1. جذب حداکثری عشایر منطقه شرق فرات

دولت مرکزی سوریه طی سال‌های گذشته و همزمان با سیطره شبه‌نظامیان کرد بر منطقه جزیره با برگزاری همایش‌های متعدد در شهر حسکه و منطقه جرمز در ریف قاملی، همه تلاش خود را برای جذب عشایر عرب و مقابله با طرح‌های آمریکا در این منطقه به کار گرفته و بر همین اساس، عناوین بیشتر نشست‌های دولت مرکزی، در چارچوب مقابله با اشغالگری آمریکا و طرح تجزیه سوریه تنظیم می‌شود. پیش‌تر نیز، دولت مرکزی سوریه نشست‌هایی را با همین دست‌ورکار و با حضور سران ۷۰ عشیره در ریف شرقی حلب برگزار کرده و در پایان نشست، تشکیل یگان‌های مقاومت مردمی عشایر را برای مقابله با اشغالگری آمریکا، ترکیه و فرانسه در جغرافیای سوریه اعلام کرد. نظام سیاسی سوریه اقداماتی را به‌صورت همزمان در راستای جذب شیوخ عشایر و یا بدنه عشیره انجام داده که نمونه عینی آن روند تسویه وضعیت با «نواف راغب البشیر»، شیخ قبیله بقاره است که وی پس از ۵ سال از بدنه معارضه جدا شده و به سمت نظام بازگشت.

دولت مرکزی در کنار تلاش برای جذب شیوخ عشیره، جذب مستقیم نیرو از عشایر را نیز در پی سیطره کامل بر منطقه غرب فرات آغاز کرده و این امر به واسطه شخصیت‌ها و چهره‌های مورد اعتماد نظام سوریه از بین عشایر محلی و با اتکا بر ترغیب جوانان به تسویه وضعیت و پیوستن به گروه‌های نظامی وابسته به نظام صورت می‌گیرد. علاوه بر این، برخی از شیوخ عشایر نیز در پی هماهنگی با دولت مرکزی سوریه، نقش تریبون را در جذب دیگر سران عشایر و بدنه عشیره خود و یا دیگران ایفا می‌کنند که نمونه عینی آن اقدام شیخ «فایق عاید الضیف»، رهبر قبیله البوجابر است که در مراسم‌های مختلف ضمن فراخوانی عشایر به مقابله با اشغالگری آمریکا و طرح تجزیه منطقه جزیره از کشور، آنها را به حمایت از نظام حاکم و شخص بشار اسد فرا می‌خواند.

دولت سوریه سعی دارد با اتکا بر تعارض ساختاری موجود میان سیستم حکمرانی

کردها و سیستم عشیره‌ای در این منطقه و مخالفت عشایر با کردها و تعارض قومیتی میان دو طرف، قبایل و عشایر این منطقه را به سمت خود جلب کرده و نوعی مقاومت محلی در این منطقه با هدف اخراج اشغالگران ایجاد کند. باید در نظر داشت که با خروج آمریکا و نیروهای اروپایی از منطقه شرق فرات، زمینه و بستر برای برچیده شدن سیستم خودگردانی کردها و همچنین پیوستن شبه‌نظامیان کرد به بدنه ارتش فراهم خواهد شد.

5-2. اعاده حاکمیت بر مرزهای شمالی با ترکیه

در پی امضای توافق «سوچی» میان رؤسای جمهور ترکیه و روسیه و امضای توافق میان دمشق و شبه‌نظامیان کرد و پیش‌تر از آن عقب‌نشینی آمریکا از مرزهای شمالی سوریه با ترکیه و تخلیه دو استان حلب و رقه و به‌طور خاص مناطق عین‌العرب (کوبانی)، منبج و عین‌عیسی زمینه برای اعاده حاکمیت دمشق بر مناطق یادشده به غیر از دو منطقه رأس‌العین و تل‌ایض که به اشغال نیروهای پیاده‌نظام وابسته به ترکیه درآمده، فراهم شد. بر اساس توافقی که میان ترکیه و روسیه صورت گرفت، نیروهای گارد مرزی دولت سوریه به همراه پلیس نظامی روسیه در مناطق مرزی شرق فرات خارج از منطقه عملیاتی موسوم به چشمه صلح (دو منطقه رأس‌العین و تل‌ایض) مستقر شدند تا بدین وسیله خروج عناصر نیروهای دمکراتیک و سلاح‌های آنان تا عمق ۳۰ کیلومتری از مرز سوریه - ترکیه را تسهیل کنند و از طرف دیگر گشت مشترک ترکیه و روسیه نیز تا عمق ۱۰ کیلومتری، به استثنای شهر قامشلی، در مناطق مرزی اجرا شد.

در شرایط فعلی، هرچند نیروهای ارتش سوریه در پی توافق با شبه‌نظامیان نیروهای دمکراتیک در مناطق مرزی شمال با ترکیه مستقر شده‌اند، اما نیروهای دمکراتیک تا کنون از پیوستن به بدنه ارتش سوریه و همچنین تعامل حداکثری با نیروهای ارتش و دولت خودداری می‌کنند. بر اساس سخنان رئیس‌جمهور سوریه در گفت‌وگو با شبکه روسی آر.تی، بخشی از شبه‌نظامیان کرد آمادگی خود را برای پیوستن به بدنه ارتش اعلام کرده‌اند، اما بیشتر آنها این درخواست را رد کرده‌اند. «مظلوم عبدی»، فرمانده شبه‌نظامیان کرد نیز بعد از انتشار گفت‌وگوی رئیس‌جمهور، به‌صورت غیر مستقیم شرط پیوستن به بدنه ارتش را در به رسمیت شناختن نیروهای دمکراتیک سوریه و برقراری سیستم خودگردانی در منطقه شرق فرات دانسته است.

بیان این نکته ضروری است که اولویت کنونی دولت مرکزی سوریه، استان ادلب بوده و بر اساس سخنان مقامات این کشور، پرونده شرق فرات در اولویت دوم پس از حل و فصل پرونده ادلب قرار دارد، اما در عین حال تلاش‌هایی در راستای برهم زدن سیستم خودگردانی کردی و جذب عشایر، در حال انجام است.

■ بازیگران بومی دخیل در منطقه شرق فرات

۱. کردها

کردها بزرگ‌ترین اقلیت قومی غیر عرب در شمال سوریه بوده و در سه استان حسکه، حلب و دمشق پراکنده هستند، اما تمرکز اصلی آنها در دو استان حلب و حسکه و به‌طور خاص در سه کانتون جزیره (قامشلی - حسکه)، عین‌العرب و کانتون عفرین (تا پیش از عملیات شاخه زیتون) می‌باشد. بیشتر کردها مسلمان و پیرو مذهب شافعی بوده و با زبان کردی لهجه کرمانجی شمالی صحبت می‌کنند و حدود ۸ تا ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند.

همزمان با آغاز بحران سوریه در سال ۱۳۹۰، احزاب کردی طی شش ماه نخست موضع صریح و آشکاری در قبال بحران و تظاهرات علیه نظام حاکم اتخاذ نکرده و در اواسط اردیبهشت ۱۳۹۰ تعداد زیادی از احزاب سنتی کرد در شهر قامشلی گرد هم جمع شده و خواستار انجام مذاکره میان معارضه و نظام حاکم سوریه و تحقق مطالبات مشروع کردی در چارچوب وحدت و یکپارچگی کشور شدند. هرچند جریان‌های کردی نزدیک به مسعود بارزانی در کنار جامعه جوانان کردی به‌طور رسمی در حرکت‌های اعتراض‌آمیز علیه نظام شرکت کردند که این امر با مخالفت دیگر احزاب از جمله حزب اتحادیه دمکراتیک وابسته به پ.ک.ک مواجه شد.

۱-۱. احزاب و جریان‌های کردی سوریه

کردهای سوریه از نظر سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. حزب اتحاد دمکراتیک (وابسته به پ.ک.ک)؛ ۲. شورای میهنی کرد (متشکل از چند حزب وابسته به مسعود بارزانی). این دو جریان نقش ایجاد توازن قدرت را بین رقبای کرد منطقه‌ای یعنی حزب کارگران کردستان ترکیه و اقلیم کردستان عراق ایفاء می‌کنند.



الف) شورای میهنی گرد^۱

در ماه‌های نخست شروع بحران در سوریه، نخستین تشکل کردی با نام شورای میهنی کرد (ENKS) با حمایت و پشتیبانی مسعود بارزانی و با مشارکت ۱۵ حزب سیاسی که در گذشته عضو جبهه دمکرات کرد بودند، شکل گرفته و در نخستین نشست خود خواهان شکل‌گیری نظام پارلمانی دمکراتیک و به رسمیت شناخته شدن کردها به‌عنوان یک گروه و جریان اصلی در حاکمیت شدند. شورای میهنی کرد در پاییز ۱۳۹۲ به ائتلاف ملی معارضان سوریه پیوست، اما همواره نسبت به بیانیه‌ها و تصمیمات این ائتلاف اعتراض داشته که برجسته‌ترین آن به سال ۱۳۹۵ باز می‌گردد که شورای میهنی کرد مراتب اعتراض خود را در ارتباط با سند کنفرانس لندن در سال ۱۳۹۵ به گوش «ریاض حجاب»، رئیس هیأت مخالفان سوری، رسانید و نسبت به تأکید صرف این بیانیه بر هویت عربی سوریه و عدم اشاره آن به تکرر قومیتی و به‌طور خاص قوم کرد و به رسمیت نشناختن این قوم اعتراض کرد. شورای میهنی کرد که تحت نفوذ «مسعود بارزانی» قرار دارد، به‌عنوان رقیب اصلی حزب اتحاد دمکراتیک به شمار رفته که دارای اختلافات اساسی با «عبدالله اوجالان»، رهبر پ.ک.ک است.

ب) حزب اتحاد دمکراتیک^۲

حزب اتحاد دمکراتیک سوریه در سال ۱۳۸۲ به‌وسیله فعالان سیاسی کرد در شمال سوریه تأسیس شد که به‌عنوان مهم‌ترین حزب سیاسی مخالف کرد سوری و قدرتمندترین سازمان‌یافته‌ترین حزب در شمال سوریه به شمار می‌آید. این حزب به‌عنوان شاخه سوری حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) از حامیان و هواداران عبدالله اوجالان، مؤسس و رهبر پ.ک.ک شناخته می‌شود.

همزمان با شروع بحران سوریه در سال ۱۳۹۰، نظام حاکم مسئولیت تأمین امنیت مناطق کردنشین را طی توافقی به حزب اتحاد دمکراتیک سوریه سپرد و به موجب آن شاخه نظامی حزب اتحاد دمکراتیک موسوم به «یگان مدافع خلق» برای نخستین بار حضور نظامی خود را در ریف استان حسکه و به‌طور خاص مناطق مرزی این استان تثبیت کرد و به مرور زمان و

1. ENKS

2. PYD (شاخه سیاسی پ.ک.ک در سوریه)

در پی عقب‌نشینی نیروهای نظام سوریه زمینه برای تحکیم و تثبیت حضور نیروهای یگان مدافع خلق در مناطق کردی از جمله منطقه جزیره، عین‌العرب و عفرین فراهم شد، به‌گونه‌ای که به غیر از دو مربع امنیتی در قامشلی و حسکه که در اختیار نظام حاکم سوریه بود، دیگر مناطق تحت سیطره و کنترل این گروه قرار گرفت.

شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک که نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند، نه تنها توانست قدرت خود را در مناطق مختلف کردی همزمان با عقب‌نشینی نیروهای نظام حاکم تثبیت کند، بلکه در جنگ‌های مختلف با گروه‌های تروریستی از جمله داعش کارآمدی خود را به‌خوبی نشان داده و همین مسأله جایگاه ویژه‌ای به حزب اتحاد دموکراتیک در مناطق کردی سوریه داده و باعث شد نسبت به سایر تشکل‌های سیاسی کرد سوریه، دست بالا را داشته و به مرور زمان دولت خودگردان را با نقش‌آفرینی خود و حذف رقیب کردی اعلام کند. کردهای یگان مدافع خلق به‌منظور تثبیت موقعیت خود در مناطق مختلف سیاست سرکوب را در قبال عرب‌ها و کردهای معارض خود دنبال کرده و سعی کردند با اتکا بر زور و جبر، سیطره خود را در مناطق مختلط جمعیتی گسترش دهند.

1-2. اعلام برپایی دولت خودگردان کردی

پیش از اعلام برپایی دولت خودگردان در مناطق کردنشین سوریه، شوراها محلی همزمان با خروج نیروهای دولت مرکزی، مدیریت این منطقه را بر عهده داشته و سه شاخه مهم احزاب کرد سوریه شامل حزب اتحاد دموکراتیک، شورای میهنی کردهای سوریه و تشکل کردستان غربی هیأتی به نام «هیأت عالی کردهای سوریه» با هدف انجام هماهنگی‌ها و حل اختلافات تشکیل داده بودند، اما با اعلام دولت خودگردان از سوی حزب اتحاد دموکراتیک این مجلس عملاً کارکرد خود را از دست داد.

در ۲۱ آبان ۱۳۹۲، حزب اتحاد دموکراتیک طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر قامشلی، از طرح تشکیل دولت خودگردان و تشکیل هیأت قانون‌گذاری همزمان با تشکیل دولت انتقالی «اتلاف مخالفان سوریه» با نخست‌وزیری «احمد طمععه» خبر داده و اعلام کرد سه منطقه تخلیه‌شده از نیروهای سوریه در جزیره، عین‌العرب و عفرین از سوی یک دولت موقت اداره خواهد شد. این روند ادامه داشت تا اینکه حزب اتحاد دموکراتیک بار دیگر در ۱ بهمن ۱۳۹۲ در شهر «عامودا» همزمان با برگزاری مذاکرات ژنو ۲ و عدم دعوت



از این حزب در مذاکرات، اعلام کرد از این پس مناطق تحت کنترل خود را به صورت مستقل و با عنوان کانتون با ۲۲ هیأت و وزارتخانه اداره خواهد کرد.

استراتژی حزب اتحاد دموکراتیک و شاخه نظامی آن، تلاش برای برقراری اتصال و پیوستگی سه کانتون جزیره، عین العرب و عفرین به یکدیگر و تبدیل آنها به سرزمینی یکپارچه و منطقه خودگردان مستقل از حکومت مرکزی بوده، اما در بهمن ماه ۱۳۹۲، عناصر داعش منطقه عین العرب را محاصره کرده و در نهایت عناصر یگان‌های مدافع خلق، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکرات موفق شدند در بهمن ۱۳۹۳ محاصره این شهر را بشکنند.

1-3. تشکیل نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)

نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) ائتلافی از نظامیان کرد، عرب، سریانی، ارمنی و ترکمان بوده و تاریخ تأسیس این تشکیلات به آبان ۱۳۹۴ و طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر مالکیه واقع در استان حسکه باز می‌گردد. در ارتباط با چرایی تشکیل نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)، بیان این نکته ضروری است که بعد از آنکه نیروهای نظامی یگان‌های مدافع خلق کارآمدی خود را در جنگ‌های اولیه علیه داعش نشان داده و به صورت یک نیروی نظامی منسجم و کارآمد ظاهر شدند، آمریکا و کشورهای غربی حساب ویژه‌ای روی این گروه باز کرده و تصمیم گرفتند از این گروه به عنوان نیروهای پیاده نظام خود و همچنین بستری برای تقویت حضور و نفوذ خود در منطقه شرق فرات سوریه بهره گیرند، اما به دنبال راهکاری برای مهار مخالفت‌های ترکیه و حساسیت‌های آن در قبال شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک یعنی یگان مدافع خلق بودند و بر همین اساس به سمت تشکیل یک ساختار جدید با محوریت و نقش آفرینی نیروهای وابسته به یگان‌های مدافع خلق و با حضور قومیت‌های مختلف از جمله عرب‌ها با عنوان نیروهای دموکراتیک سوریه^۱ گام برداشتند. در واقع، آمریکا سعی کرد در ساختار نیروهای دموکراتیک سوریه، با مشارکت عناصر عربی و اختصاص بخش اعظم ساختار نیروها به عرب‌ها، به مقابله با حساسیت‌های ترکیه پردازد.

نیروهای دموکراتیک سوریه بعد از اعلام تشکیل، مأموریت نخست خود را در راستای بیرون کردن عناصر داعش از استان رقه و دیگر مناطق شمال و شرق سوریه تعریف کرده و

۱. قوات سوريا الديمقراطية؛ نیروهای دموکرات سوریه (SDF) ائتلافی از نظامیان کرد، عرب، سریانی، ارمنی و ترکمان بوده و تاریخ تأسیس آن به مهر ماه ۱۳۹۴ طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر مالکیه واقع در استان حسکه باز می‌گردد.

همزمان وزارت دفاع آمریکا نیز در مهرماه ۱۳۹۴ اعلام کرد که عملیات پشتیبانی و حمایت از نیروهای دمکراتیک سوریه - که به مبارزه علیه داعش می‌پردازند - شروع شده و در این راستا، ضمن ارائه کمک‌های نظامی، به حمایت هوایی از عملیات زمینی نیروهای دمکراتیک پرداخته و حتی مستشاران آمریکایی در راستای ارائه کمک‌های آموزشی و پشتیبانی اطلاعاتی، در موقعیت‌های تحت کنترل نیروهای دمکراتیک نیز حضور یافتند. نیروهای دمکراتیک سوریه در پرتو حمایت‌های تسلیحاتی و هوایی ائتلاف توانستند جغرافیای تحت سیطره و کنترل خود را در منطقه شرق فرات گسترش داده و به مرور زمان به بازیگر غالب این منطقه تبدیل شوند.

1-4. تشکیل «مسد» به‌عنوان چتر سیاسی «قسد»

نیروهای دمکراتیک سوریه همزمان با تقویت بال نظامی خود، در مسیر تشکیل شاخه سیاسی نیز گام برداشتند و در این راستا، در آذرماه ۱۳۹۴ و طی برگزاری کنفرانس موسوم به «سوریه دمکرات» در شهر المالکیه در حسکه، از تشکیل شورای سوریه دمکرات موسوم به «مسد» با عضویت ۴۲ نفر از جریان‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی خبر دادند. اعضای اصلی مسد، شامل جریان «قمح»، به ریاست «هیثم مناع»، تجمع عهد الکرامه و الحقوق، احزاب اداره خودگردان دمکراتیک، ائتلاف ملی سوریه دمکراتیک، شوراهای منطقه الشهباء و نمایندگان از ترکمان‌ها، آشوری‌ها، سریانی‌ها، ایزدی‌ها، عشایر عرب و همچنین شخصیت‌های مستقل هستند.

شورای سوریه دمکرات موسوم به «مسد» که به‌عنوان چتر سیاسی نیروهای دمکراتیک سوریه قلمداد می‌شود، دو رئیس مشترک دارد، یکی «ریاض درار» و دیگری «الهام احمد»، عضو هیأت اجرایی جنبش جامعه دمکراتیک که حزب اتحاد دمکراتیک (PYD) یکی از جریان‌های اصلی عضو آن است. حضور «ریاض درار» در جایگاه ریاست «شورای سوریه دمکرات» و برجسته‌سازی وی به‌عنوان شخصیتی عربی در این ساختار، با هدف کاهش حساسیت‌ها نسبت به نقش محوری کردها در ساختار این شورا و ارائه چهره‌ای فرا قومیتی از ساختار جدید کردها می‌باشد. پیش‌تر، «هیثم مناع»، رئیس جریان «قمح»، ریاست مشترک شورای سوریه دمکرات را بر عهده داشت که در پی اعلام سیستم فدرالی از سوی کردها، ضمن اعلام مخالفت با این طرح، از شورای سوریه دمکرات خارج شد.

1-5. تمرکز در منطقه شمال و شرق فرات

بعد از شکست کردها در ایجاد پیوستگی میان سه کانتون جزیره، عین‌العرب و عفرین، نیروهای دمکراتیک سوریه تمرکز خود را بر روی منطقه شرق فرات و به‌طور همزمان منطقه منبج واقع در غرب فرات قرار داده و با حمایت و پشتیبانی آمریکا در مسیر ایجاد و تقویت ساختارهای نظامی، سیاسی و امنیتی در منطقه شرق فرات گام برداشتند. در شرایط کنونی با توجه به موفقیت شبه‌نظامیان کرد در سرکوب داعش و سیطره بر جغرافیای قابل ملاحظه در شرق فرات، مطالبات کردها همانگونه که از زبان «مظلوم عبدی» معروف به «مظلوم کوبانی»، فرمانده نیروهای دمکراتیک سوریه مطرح شده، بیش از هر چیزی در راستای به رسمیت شناختن اداره خودگردانی کردها در شمال و شرق فرات و مقابله با تمرکزگرایی نظام حاکم و همچنین ضرورت حفظ هویت خصوصی نیروهای دمکراتیک سوریه و تضمین بقای آن به‌عنوان یک نیروی نظامی است.

2. عشایر منطقه شرق فرات

سوریه از نظر ساختار جمعیتی یک کشور عشایری و قومیتی بوده و عشایر عرب و سران آن نقش مهمی در ایجاد آرامش و حفظ وحدت ملی سوریه دارند. عشایر سوریه در سه استان رقه، حسکه و دیرالزور سکونت دارند، اما تمرکز عمده آنها در استان دیرالزور در دو کرانه غربی و شرقی رود فرات و رود خابور می‌باشد. قبایل و عشایر ساکن منطقه شرق فرات و به‌طور خاص استان دیرالزور از نقش و موقعیت ویژه‌ای در شکل‌دهی به تحولات و رویدادهای سیاسی - اجتماعی برخوردار بوده و بر همین اساس عشایر این استان همواره در دوره‌های پیشین در مرکز اهتمام و توجه نظام حاکم قرار داشته‌اند. ریاست قبایل در مناطق شرق فرات در داخل یک یا چند خاندان متمرکز است که از آن به‌عنوان بیت‌المشیخه یاد شده و ریاست هر قبیله نیز موروثی بوده و منحصر به داخل خاندان ریاست است.

شیوخ عشایر عرب شرق فرات در دوران حافظ اسد، به‌ویژه در دهه هشتاد قرن گذشته، با توجه به نقشی که سران آنها در داخل ساختار حاکمیت بر عهده داشتند، اقدامات برجسته‌ای در حمایت از نظام حاکم سوریه انجام دادند که برجسته‌ترین آن، جلوگیری از انتقال و جابجایی سلاح از عراق به معارضان وقت نظام سوریه بود که این اقدام در آن دوره بسیار تأثیرگذار بود. این روند در دوران حاکمیت بشار اسد نیز ادامه یافت و او نیز به مانند پدرش با اعطای

پست سیاسی به سران قبایل یا به تعبیر دیگر وجوه عشایر در قالب عضویت در مجلس ملی، سعی کرد زمینه را برای تقویت و تحکیم روابط میان نظام حاکم و شبکه قبیله‌ای فراهم سازد. با شروع ناآرامی‌ها در سوریه و خروج نیروهای نظام از شرق فرات، انتظار می‌رفت عشایر عرب و قبایل ساکن این منطقه و به‌طور خاص استان دیرالزور، با تشکیل یک ساختار نظامی واحد و یکپارچه همانند کردها، در مسیر تأمین امنیت خود و همچنین امنیت منابع اقتصادی و نفتی موجود در استان‌های دیرالزور (کرانه شرقی رود فرات) و رقه گام بردارند، اما به علت کاهش قدرت بسیج‌کنندگی رئیس عشیره و به تبع آن چندصدایی در داخل یک عشیره، زمینه برای اشغال این منطقه از سوی جبهه‌النصره و داعش و در نهایت نیروهای دمکراتیک فراهم شد.

بیان این نکته ضروری است که پیش از اشغال این مناطق از سوی گروه‌های تروریستی النصره و داعش، برخی از سران عشایر عرب از آمادگی خود برای پیوستن به صفوف معارضان نظام خبر دادند، اما به دلیل عدم برخورداری از قدرت بسیج‌کنندگی در میان عشیره خود، قادر به جذب نیرو و از داخل عشیره خود برای معارضان نبودند. به‌عنوان نمونه، «نواف الفارس»، رئیس قبیله عقیدات و شاخه حزب بعث در دیرالزور در تابستان ۱۳۹۱ انشقاق خود از نظام را اعلام کرده، اما پیوستن او به صفوف معارضان منجر به جذب بدنه عشیره و بخش عمده اعضای آن به معارضان نشد.

به‌طور کلی می‌توان عشایر عرب منطقه شرق فرات را از ابتدای بحران تا به امروز به چهار دسته تقسیم کرد: بخشی از سران عشایر، از همان ابتدای شروع بحران و برپایی تظاهرات در کنار نظام ایستاده و اعضای عشیره خود را نیز به حمایت از نظام و عدم پیوستن به گروه‌های معارض تشویق کردند. در سمت مقابل نظام حاکم نیز ضمن حمایت از این عشیره‌ها، به حمایت تسلیحاتی از آنها پرداخت. علاوه بر این، دولت مرکزی سوریه برای هر عشیره یک گروه نظامی مخصوص به خود به نام «دفاع وطنی» ایجاد کرده و فرمانده آن را از فرزندان شیخ عشیره و یا نزدیکانش انتخاب کرد. «محمد فارس»، پسر عموی شیخ قبیله «طی» (بزرگ‌ترین قبیله قامشلی) یکی از این نمونه‌هاست که طی سال‌های بحران در کنار نظام ایستاد.

دسته دوم، عشایری بودند که همزمان با قدرت گرفتن شبه‌نظامیان کرد در منطقه شرق فرات با حمایت و پشتیبانی ائتلاف، به سمت تعامل با حزب اتحاد دمکراتیک و شاخه نظامی آن یعنی یگان‌های دفاع از خلق (YPG) روی آورده و در امر خودگردانی شریک

شدند تا جایی که یکی از اعضای عشیره «حرب» در رأس العین به منصب وزارت در دولت منطقه جزیره دست پیدا کرد. علاوه بر این، «حمیدی الدهام الجربا» (پسر عموی احمد الجربا)، شیخ عشیره شمر، به عنوان حاکم مشترک منطقه جزیره منصوب شد.

دسته سوم، عشایری بودند که طی روزهای اول بحران به حمایت از اعتراضات علیه نظام حاکم پرداخته و همزمان با ورود ارتش آزاد به منطقه شرق فرات، به اقدامات مسلحانه در کنار این گروه مسلح روی آوردند. اما بعد از خروج ارتش آزاد و اشغال منطقه به دست جبهه النصره و سپس داعش، برخی از آنها به تعامل با داعش روی آورده و برخی دیگر نیز به سمت نظام حاکم بازگشتند. به عنوان مثال، «نجم عبدالله بقره»، دیرالزور را به سمت مناطق تحت کنترل نظام حاکم ترک کرده و به عضویت مجلس ملی درآمد. «عبدالعزیز حماده» از عشیره البکیر و «رهیمان کوان الجباره» از عشیره بورحمه نیز دیرالزور را به مقصد ترکیه ترک کرده و طی همکاری با سایر شیوخ مهاجر از عشایر بقره، شعیطات، البوسرایا و سایر شخصیت‌های نظامی و سیاسی عشایر در ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ اقدام به تأسیس شورای عشایر عرب و قبایل دیرالزور در شهر اورفای ترکیه کردند.

دسته چهارم، عشایری بودند که ترجیح دادند در این صحنه بی طرف بوده و با هیچ یک از طرف‌ها به طور کامل وارد تعامل و همراهی نشوند.

در ارزیابی کلی باید گفت که وفاداری و همسویی این چهار دسته با طرف‌های مقابل خود هیچ‌گاه مطلق نبوده و بسیاری از عشایر و قبایل شرق فرات، وابستگی و همراهی خود را با منطق قدرت تغییر داده و هرگاه منافع امنیتی و اقتصادی و حتی سیاسی آنها از سوی یک طرف قدرتمند و مقتدر تأمین شده، به سمت تعامل و همزیستی با آن روی آورده‌اند. در واقع، هر طرفی که قدرت اثرگذاری بیشتری در مقایسه با دیگر بازیگران داشته و در پرتو آن شیوخ عشایر از امتیازات بیشتری بهره‌مند شوند، سران قبایل به حمایت از آن خواهند پرداخت.

به عنوان نمونه، سران عشیره شمر به چهار دسته تقسیم شده بودند؛ در حالی که «حمیدی دهام الجربا» ریاست منطقه الجزیره وابسته به حزب اتحاد دموکراتیک را بر عهده داشت، پسر عموی او «میزر مدلول الجربا» از نزدیکان به نظام حاکم سوریه بود و پسر عموی دیگر آنها، «احمد الجربا» ریاست بزرگ‌ترین فراکسیون در ائتلاف ملی معارض را بر عهده داشته و یکی دیگر از پسر عموهای آنها فرمانده یکی از گردان‌های ارتش آزاد بود. این تغییر وابستگی و تبعیت در نزد اغلب عشایر و قبایل حکمفرما بده و «احمد الجربا» بهترین

مصدق برای این موضوع است که تا کنون چندین بار موضع خود را نسبت به بازیگران بومی و منطقه‌ای دخیل در شرق فرات تغییر داده است.

■ چشم‌انداز سیاسی - امنیتی منطقه شرق فرات (سناریوهای احتمالی)

در این بخش با توجه به شرایط متغیر و بی‌ثبات منطقه شرق فرات و سیال بودن تحولات این منطقه، سه سناریوی ایجاد منطقه امن، خودمختاری کردی و اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه مورد بررسی قرار گرفته و امکان تحقق هر یک از آنها با در نظر گرفتن موانع و فرصت‌های موجود تبیین می‌شود.

1. ایجاد منطقه امن

پیشنهاد ایجاد منطقه امن در شرق فرات در پی افزایش سطح تنش میان ترکیه و آمریکا بعد از اعلام ترامپ مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از این منطقه و تلاش ترکیه برای انجام اقدام نظامی علیه شبه‌نظامیان کرد، از سوی دونالد ترامپ در ۲۳ دی ۱۳۹۷ اعلام شد که طبق اعلان رسانه‌های آمریکایی، منطقه امن به طول ۴۶۰ کیلومتر در طول مرز ترکیه و سوریه و به عمق ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) بوده و روستاها و شهرک‌هایی را در سه استان حلب، رقه و حسکه شامل روستاهای صرین و عین‌العرب در ریف شرقی حلب، عین‌عیسی و تل‌ایض در استان رقه و شهرک‌های رأس‌العین، تل‌تمر، درباسیه، عامودا، وردیه، تل‌حمیس، قحطانیه، یعربیه و مالکیه در استان حسکه در برخواهد گرفت. همچنین پیشنهاد ایجاد منطقه امن همواره از زمان شروع بحران در سوریه یکی از مطالبات ترکیه بوده که مورد حمایت طرف‌های غربی قرار نگرفته است.

با توجه به اینکه ایجاد این منطقه نیازمند وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی در دو حوزه مالی و نیروی انسانی است، دونالد ترامپ از همان ابتدا تلاش کرد از ظرفیت نیروهای نظامی ائتلاف و به‌طور خاص کشورهای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) بهره‌گرفته و کنترل این منطقه را در اختیار آنها قرار دهد، اما این تصمیم ترامپ نه تنها با استقبال کامل طرف‌های اروپایی مواجه نشد، بلکه با مخالفت شدیدی از سوی ترکیه نیز همراه بود. ترکیه به دنبال آن بود، مدیریت اجرایی این منطقه در اختیار نیروهای نزدیک به این کشور قرار گیرد و این موضوع به‌صراحت از سوی «خلوصی آکار»، وزیر دفاع ترکیه و شخص اردوغان نیز مطرح شده است.

از این رو، می‌توان گفت پیشنهاد ایجاد منطقه امن در گام نخست با اختلافاتی میان دو طرف



پیشگام آن یعنی آمریکا و ترکیه مواجه است. علاوه بر این، ترکیه و آمریکا در اجرای این طرح اهداف متفاوتی دارند؛ ترکیه با ایجاد منطقه امن به دنبال کاهش تهدید کردی و حفظ نیروهای همسو با خود و در نهایت بازگرداندن آوارگان سوری به این منطقه و تغییر بافت جمعیتی آن بوده، اما آمریکا به دنبال استمرار حضور خود و همچنین حمایت از کردها است.

کشور روسیه به عنوان یکی از بازیگران دولتی تأثیرگذار در سوریه، در نخستین واکنش به اعلام پیشنهاد ایجاد منطقه امن از سوی ترامپ، اعلام کرد که تنها راه حل برای این مناطق در پرتو خروج آمریکا از منطقه شرق فرات، بازگشت نیروهای دولتی نظام سوریه و اعاده حاکمیت دمشق بر این مناطق می باشد. روسیه ضمن اعلام مخالفت با ایجاد منطقه امن در شرق فرات، پیشنهاد بازگشت به پیمان آدنا (اضنه)^۱ را که در دهه ۹۰ میلادی میان دولت سوریه و ترکیه امضاء شده بود، مطرح ساخت. در واقع، نسخه روسیه برای منطقه شرق فرات شبیه به نسخه این کشور در منطقه جولان اشغالی است که در هر دو مورد، روسیه سعی دارد با تکیه بر پیمان های قدیمی به عنوان ابزاری پیشگیرانه در ممانعت از وقوع تنش و استمرار بحران و بی ثباتی در این مناطق و اعاده حاکمیت دمشق بر شرق فرات عمل کند.

جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه نیز به صراحت با ایجاد منطقه امن مخالفت کرده و ورود هرگونه نیروی خارجی به این منطقه را نامشروع قلمداد کرده و نسبت به آن رویکرد تقابلی دارند. در واقع، نظام سوریه نسبت به هرگونه اقدامی که حاکمیت مرکزی سوریه را خدشه دار سازد، رویکرد تقابلی خواهد داشت.

بازیگران بومی این منطقه و به طور خاص شبه نظامیان کرد شامل نیروهای دمکراتیک سوریه نیز مخالف ایجاد منطقه امن با محوریت و بازیگری نیروهای وابسته به ترکیه در منطقه شرق فرات هستند، زیرا به اعتقاد آنها ترکیه خود یکی از طرف های دعوا بوده و امکان ایجاد این منطقه با نقش آفرینی ترکیه وجود ندارد. البته کردها در اعلام مواضع خود نسبت به این مسأله تا حد زیادی متأثر از تصمیمات آمریکا هستند، اما بدون شک پیش از کسب تضمین های بین المللی لازم در حمایت از ساکنان این منطقه و قومیت های موجود در آن به این طرح تن نخواهند داد. در

۱. این پیمان در ۲۸ مهر ۱۳۷۷ با نظارت ایران و مصر میان ترکیه و سوریه امضاء شد و به موجب آن طرف سوری متعهد شد با تروستی دانستن حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) مانع نفوذ عناصر این گروه به خاک ترکیه شده و به حمایت های خود از این گروه پایان دهد، به گونه ای که هیچ گونه پایگاهی در سوریه نداشته باشد. ارتش ترکیه نیز اجازه یافت در صورت عدم توانایی ارتش سوریه در مقابله با شبه نظامیان پ.ک.ک تا عمق ۵ کیلومتری از اراضی سوریه در شمال این کشور وارد شود.

همین راستا، «سیان حمو»، فرمانده یگان‌های مدافع خلق، شاخه نظامی حزب دموکراتیک سوریه خواستار ایجاد منطقه امن در سمت مرزهای ترکیه و در داخل اراضی این کشور شده است. «مظلوم کوبانی»، فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه ضمن اعلام حمایت خود از ایجاد منطقه امن در شرق فرات، خواستار عدم مداخله ترکیه و حضور نامشروع آن در مرزهای سوریه شده است. همچنین کوبانی انجام هرگونه توافق با ترکیه در آینده را منوط به حل مسأله عفرین و بازگرداندن آن به ساکنان حقیقی آن دانسته است.

در شرایط فعلی هر چند آنکارا با تکیه بر نیروهای پیاده‌نظام وابسته به خود طی عملیات موسوم به «چشمه صلح» مناطق حد فاصل تل ابیض و رأس العین به طول ۱۲۰ کیلومتر و تا عمق ۳۰ کیلومتر را تحت کنترل دارد، اما از طرف دیگر در پرتو این عملیات نظامی زمینه برای استقرار نیروهای ارتش سوریه و نیروهای پلیس روسیه در محدوده خارج از منطقه عملیاتی ترکیه در طول مرزهای سوریه در منطقه شرق فرات فراهم شده و بر همین اساس منطقه امنی که مقامات ترکیه به دنبال آن بوده و هستند، در شرایط فعلی محدود به منطقه میان تل ابیض و رأس العین شده و علاوه بر این در توافق ۱۰ ماده‌ای اردوغان با پوتین نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به آن نشده و حتی از منطقه عملیاتی ترکیه در داخل سوریه نیز با عنوان منطقه امن نام برده نشده است. از این‌رو، با توجه به تضارب منافع و اهدافی که بازیگران دخیل در این منطقه دارند و با توجه به اعاده حاکمیت دمشق بر مرزهای شمالی با ترکیه، چشم‌انداز ایجاد منطقه امن در شرق فرات تا حد زیادی بعید به نظر می‌رسد.

سناریو	بسترها و فرصت‌ها	موانع و چالش‌ها
ایجاد منطقه امن	تداوم حضور آمریکا در منطقه شرق فرات (در پرتو استمرار بحران در سوریه)	اختلاف نظر آمریکا و ترکیه
	مهار اختلافات آمریکا و ترکیه	مخالفت ایران، نظام سوریه و روسیه
	-	تضعیف کارکرد ابزار کردی برای آمریکا (در مدیریت رفتار ترکیه)
	-	کاهش سطح اعتماد کردها به آمریکا
	-	فقدان یک طرح روشن در اجرای منطقه امن
	-	عدم همراهی کشورهای اروپایی
	-	حضور نیروهای ارتش سوریه و پلیس روسیه در مناطق مرزی در پرتو توافق سوچی و عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از دو استان رقه و حلب

2. خودمختاری¹ کردی

کردهای سوریه طی سال‌های گذشته ضمن اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با نظام حاکم بر دمشق و همسویی با آن و در سایه فقدان دولت مرکزی مقتدر در منطقه شرق فرات و کاهش حضور و نفوذ آن در مناطق کردنشین و در پرتو حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا و ایفای نقش پیاده‌نظام ائتلاف، به سمت خودمختاری ذاتی گام برداشته و در این مسیر سعی کردند از ظرفیت‌های آمریکا در دستیابی به حقوق خود و عینیت‌بخشی به آرمان کردی در برقراری سیستم خودگردانی با ایجاد ساختارهای سیاسی و نظامی در مناطق شمال و شرق فرات بهره‌گیرند.

بستر اصلی کردها در بیان خودمختاری ذاتی در منطقه شرق فرات، ضعف دولت مرکزی و کاهش نفوذ آن در مناطق شرق فرات بوده و پشتوانه اصلی آنها در اعلام این خودمختاری، حضور نامشروع آمریکا می‌باشد. از این رو با خروج آمریکا و یا تضعیف حضور آن در منطقه شرق فرات، چشم‌انداز خودگردانی کردی نیز در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت. از طرف دیگر، برقراری هرگونه سیستم خودگردانی در مناطق شرق فرات باید با چراغ سبز دولت مرکزی سوریه همراه باشد و همین مسأله خود مانع بزرگی در تحقق این خواسته کردها خواهد بود. در واقع، طرف مورد مذاکره کردها برای پذیرش مطالبه خودمختاری، حکومت مرکزی سوریه است، زیرا اساساً هر سیستم خودگردانی بر پایه تبعیت از دولت مرکزی شکل گرفته و به‌طور قطع دولت مرکزی نیز تن به این خواسته نخواهد داد.

علاوه بر این، ترکیه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی دخیل در پرونده سوریه و با توجه به نقشی که از ابتدای شروع بحران در سوریه ایفاء کرده، به‌شدت با هرگونه اعطای خودمختاری به کردها در سوریه مخالف است، به‌ویژه با توجه به اینکه ترکیه نسبت به تبعات و پس‌لرزه‌های این مسأله بر روی ۱۳ میلیون شهروند کرد خود حساسیت دارد. از سوی دیگر، نظام سوریه نیز به‌منظور مهار ترکیه و رفتارهای خصمانه آن هرگز اجازه خودمختاری کردها را در این منطقه نخواهد داد و جریان معارضان سوریه نیز بارها مخالفت

۱. خودمختاری یکی از انواع ساختار غیر متمرکز است که به موجب آن دولت مرکزی بخشی از قدرت سیاسی خود به یکی از نواحی داخلی که از هویت قومی و فرهنگی خاصی برخوردارند، واگذار می‌کند. نهادهای خودمختار از دورکن اساسی تشکیل می‌شوند. یکی انجمن محلی برای وضع مقررات و دیگری نهاد اجرایی برگزیده از سوی انجمن محلی. واحد خودمختار، اختیار دخالت در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خویش را دارا بوده، اما در برقراری روابط خارجی و دفاعی و مشارکت در امنیت بین‌الملل تابع دولت مرکزی است.

خود را با هرگونه خودمختاری مناطق کردی اعلام کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه شرق فرات و نقش در آن پیوستگی جغرافیایی عراق و سوریه هرگز با خودمختاری کردهای سوریه در این منطقه موافقت نمی‌کند، به‌ویژه با توجه به اینکه کردهای سوریه و نیروهای دمکراتیک سوریه طی سال‌های گذشته روابط نزدیک و تنگاتنگی با امریکا داشته و تشکیل هرگونه خودگردانی در این منطقه با منافع بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در این نقطه در تعارض قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، ارتباطات تنگاتنگ کردها با آمریکا و وابستگی آنها به این کشور، منجر به حساسیت روسیه و مخالفت آنها با سیستم خودگردانی در آینده خواهد شد؛ در واقع، حساسیت روسیه بیشتر متوجه وابستگی بیش از حد کردها به آمریکا بوده و بر این باورند که این وابستگی، ناخواسته آنها را در مسیری قرار خواهد داد که تنها عامل آمریکا بودن دستاورد کردها خواهد بود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه نیروهای دمکراتیک سوریه به‌عنوان یک نیروی تولیدی آمریکا تلقی می‌شوند. این مسأله به‌نوعی خط قرمز جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه نیز خواهد بود.

علاوه بر این، عشایر عربی ساکن مناطق شرق فرات نیز مانع بزرگی در برابر تحقق خودمختاری ذاتی کردها در این مناطق بوده و از آنجایی که تحت تأثیر ترکیه و تا حد زیادی نظام حاکم سوریه قرار دارند، هرگز به حاکمیت کردها در مناطق خود تن نداده و در حال حاضر نیز نیروهای دمکراتیک سوریه در پرتو حضور آمریکا و حمایت و پشتیبانی آن و با تکیه بر سیاست سرکوب، زمینه را برای حاکمیت خود در این مناطق فراهم کرده و بدون تردید با خروج آمریکا و کاهش نفوذ و حضور آن در این مناطق، کردها با چالش بزرگ عشایر عرب مواجه خواهند شد، به خصوص با توجه اینکه کردها از هیچ تلاشی برای سرکوب عشایر عرب و همچنین تغییر بافت جمعیتی مناطق تحت کنترل خود و مهاجرت اجباری ساکنان اصلی آن و الزام خدمت سربازی برای قبایل عرب مناطق فروگذار نکرده‌اند و این در حالی است که دامنه اعتراضات و مخالفت‌های عشایر عرب این منطقه در قبال اوضاع معیشتی و خدماتی و به‌طور کلی سیستم حکمرانی کردها در این منطقه در حال گسترش می‌باشد.

در شرایط فعلی هرچند نیروهای دمکراتیک سوریه (بخش اعظم اعضای آن عرب هستند) توانسته‌اند با اتکا به شوراهای محلی و برخورداری از حمایت آمریکا، حاکمیت

خود را در مناطق عشایری حفظ کنند، اما بدون تردید در بلندمدت تقابلی میان ساختار سیاسی کردی و ساختار سنتی قبیله‌ای عرب ایجاد شده و این امر تا حد زیادی منوط به بازگشت بخش اعظم جمعیت عرب و قوام یافتن عشیره و کاهش حضور و نفوذ آمریکا در این منطقه می‌باشد، زیرا حاکمیت کردها در این منطقه منوط به حضور آمریکا بوده و هر اندازه حضور آمریکا در منطقه شرق فرات تضعیف شود به همان اندازه پشتوانه نظامی، لجستیکی، بین‌المللی و سیاسی نیروهای دموکراتیک سوریه نیز با کاهش مواجه خواهد شد، به خصوص با توجه به اینکه کردها در منطقه شرق فرات اقلیت بوده و اکثریت جمعیت این منطقه را عرب‌های عشایر تشکیل می‌دهند.

در شرایط کنونی هرچند به نظر می‌رسد آمریکا با ایجاد زیرساخت‌های نظامی و سیاسی در منطقه شرق فرات به دنبال ایجاد یک منطقه کاملاً مستقل و اقلیم‌سازی جدید با محوریت کردها بوده و کردهای سوریه نیز تا زمانی که از پشتوانه حضور آمریکا در منطقه شرق فرات بهره‌مند هستند، حاضر به عقب‌نشینی از مطالبه خودمختاری و بازگرداندن کنترل مناطق تحت اختیار خود به حکومت مرکزی سوریه نخواهند بود، اما خودگردانی کردها، با موانع بزرگی همچون حضور روسیه، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، عشایر عرب منطقه و نیروهای عرب عضو نیروهای دموکراتیک سوریه مواجه بوده و همین امر، احتمال تحقق آن را کاهش می‌دهد. همچنین با توجه به کارنامه خوب و قابل قبول نیروهای دموکراتیک سوریه در جنگ با داعش و گروه‌های افراطی، احتمال اینکه شرایط به قبل از سال ۱۳۹۰ نیز بازگردد، بسیار پایین بوده و انتظار می‌رود کردهای سوریه به خودمختاری محدود اداری یا به تعبیر دیگر «لامرکزی اداری» که قدرت محدودتری در مقایسه با خودمختاری دارد، دست یابند.



سناریو	بسترها و فرصت‌ها	موانع و چالش‌ها
خودمختاری کردی	حضور و پشتیبانی آمریکا (به همراه ساختارسازی نظامی - امنیتی و اقتصادی در منطقه شرق فرات)	چراغ سبز دولت مرکزی (هر سیستم خودگردانی بر پایه تبعیت از دولت مرکزی شکل خواهد گرفت)
	ضعف دولت مرکزی و کاهش نفوذ آن در مناطق شرق فرات	مخالفت شدید ترکیه (با توجه به اثرگذاری آن بر کردهای ساکن ترکیه)
	برتری نیروهای دمکراتیک سوریه (قسد) در منطقه شرق فرات	مخالفت جمهوری اسلامی ایران (با توجه به تهدیدات احتمالی خودمختاری کردی در پیوستگی جغرافیایی محور مقاومت و تداوم حضور آمریکا در این منطقه)
	سیطره کردها بر منابع زیرزمینی (نفت و گاز) و اراضی کشاورزی	مخالفت روسیه (با توجه به ارتباط تنگاتنگ کردها با آمریکا)
		تقابل عرب و کرد (تقابل قومیتی بین عرب و کرد و تعارض ساختار سیاسی کردی با ساختار سنتی قبیله‌ای عرب)
		در اقلیت بودن کردها در منطقه شرق فرات
		ناکارآمدی ساختار سیاسی، اقتصادی و نظامی در شرق فرات (وضعیت نابسمان معیشتی و خدماتی)

3. اعاده حاکمیت دمشق در بر تو خروج آمریکا از منطقه شرق فرات

یکی از راهبردهای آمریکا در عرصه سیاست خارجی، حضور نظامی - امنیتی در مناطق جغرافیایی با ارزش ژئوپلیتیک بوده که با تکیه بر حضور خود در این مناطق به دنبال پیشبرد راهبردها و سیاست‌های خود در عرصه‌های مختلف است. بر همین اساس، آمریکا با حضور در منطقه شرق فرات به دنبال تحقق مجموعه‌ای از اهداف از جمله مقابله با نفوذ ایران در این منطقه و تلاش برای قطع اتصال سرزمینی محور مقاومت میان سوریه و عراق می‌باشد.

در حال حاضر، مرکز ثقل آمریکا در شرق سوریه به واسطه حضور نظامی این کشور بوده که بر پایه آن دیگر اقدامات آمریکا در حوزه‌های مختلف از جمله کنترل رقبای احتمالی خود تعریف شده و با تقویت حضور نظامی خود در این منطقه به دنبال مدیریت تحولات سوریه در مراحل بعدی بحران است، اما این حضور از یکسو فاقد بسترهای قانونی و حقوقی بوده و از سوی دیگر با مخالفت بازیگران بومی این منطقه از جمله عشایر عرب سوریه در

آینده مواجه خواهد شد، به‌ویژه با توجه به اینکه آمریکا از زمان ورود به سوریه با چالش بسیج نیروهای عشایر عرب مواجه بوده است. از این‌رو، بهترین گام برای اعاده حاکمیت دمشق بر منطقه شرق فرات فراهم ساختن زمینه برای خروج آمریکا از این منطقه بوده که این امر در پرتو جدیت نظام حاکم سوریه و روسیه در پایان بخشیدن به حضور نامشروع آمریکا در این منطقه و حل پرونده ادلب صورت خواهد گرفت. همچنین تا زمانی که هزینه حضور و نفوذ آمریکا در منطقه شرق فرات افزایش نیابد، این کشور به دنبال خروج از این منطقه نخواهد بود، به‌ویژه با توجه به تبعات و پیامدهایی که این مسأله برای امنیت رژیم صهیونیستی و منافع آمریکا در خاورمیانه به همراه خواهد داشت.

در حال حاضر، کردها تنها بازیگر بومی هم‌پیمان آمریکا در منطقه شرق فرات هستند، تا جایی که بستر اصلی حضور آمریکا در این منطقه از سوی کردها فراهم شده و از طرفی نیز کردها به ابزاری برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های آمریکا در شرق فرات تبدیل شده‌اند. کردها در پرتو حضور و پشتیبانی آمریکا، به دنبال تثبیت سیستم خودگردانی بوده، اما بدون تردید با خروج آمریکا از منطقه شرق فرات یا تضعیف حضور این کشور، زمینه برای بازگشت نیروهای دمکراتیک سوریه به سمت دمشق و اعاده حاکمیت دولت مرکزی سوریه در این منطقه فراهم خواهد شد.

با خروج آمریکا از منطقه شرق فرات، نیروهای دمکراتیک سوریه با چند تهدید حیاتی مواجه شده و همین مسأله آنها را به سمت دمشق سوق خواهد داد؛ بدون تردید بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تهدید آنها، حضور ترکیه و عملیات آفندی آن در آینده می‌باشد. علاوه بر این، بخش اعظم نیروهای دمکراتیک سوریه از معارضان مسلح عرب هستند که با خروج آمریکا از منطقه شرق فرات از بدنه این نیروها جدا می‌شود، همچنانکه با خروج آمریکا از این منطقه، انگیزه عشایر عربی معارض کردهای سوریه برای به دست گرفتن کنترل مناطقی که جمعیت غالب آن عرب هستند، افزایش خواهد یافت. در شرایط فعلی، نیروهای دمکراتیک سوریه در سایه شراکت و پشتیبانی آمریکا، سیاست سرکوب را در مناطق تحت سیطره خود در قبال نیروهای کردی معارض و یا ساکنان عرب منطقه به کار گرفته‌اند، اما با خروج آمریکا دیگر این امکان برای آنها مهیا نخواهد شد، به‌ویژه با توجه به اینکه عرب‌ها جمعیت غالب مناطق شرق فرات محسوب می‌شوند.

هرچند در شرایط کنونی اعاده حاکمیت دمشق بر منطقه شرق فرات با مانع و سد محکم

آمریکا و ائتلاف مواجه است، اما پیشبرد شرایط به سمت تضعیف و در نهایت خروج آمریکا از این منطقه، زمینه را برای اعاده حاکمیت دمشق در بلندمدت فراهم خواهد ساخت، به‌ویژه با توجه به اینکه حضور آمریکا در این منطقه فاقد مبانی حقوقی و بین‌المللی بوده و از مشروعیت لازم برای استمرار و تداوم برخوردار نیست. از این‌رو، این سناریو در مقایسه با دو سناریوی پیش‌گفته از احتمال وقوع بیشتری در ارتباط با چشم‌انداز سیاسی-امنیتی منطقه شرق فرات برخوردار می‌باشد.

سناریو	بسترها و فرصت‌ها	موانع و چالش‌ها
اعاده حاکمیت دمشق در منطقه شرق فرات	عشایر منطقه شرق فرات	حضور و نفوذ آمریکا در منطقه شرق فرات
	حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در غرب فرات	عدم حل‌وفصل پرونده ادلب
	وجود ذخایر نفتی، گازی و کشاورزی در این منطقه (به‌عنوان عاملی محرک برای باز پس‌گیری این منطقه)	فعال بودن هسته‌های پنهان داعش (بهانه آمریکا برای تداوم حضور)
	حفظ تمامیت ارضی سوریه	عدم انسجام عشایر شرق فرات
	حضور ارتش سوریه در مناطق مرزی بخش شمالی در کنار پلیس روسیه	

منابع و مأخذ

- نیوری زاده، بهنام. ۱۳۸۸. آینده پژوهی؛ مفاهیم، روشها. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- وندر هیدن، کیس. ۱۳۸۹. سناریوها؛ هنر گفتگوی راهبردی، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی
- پایگاه خبری العالم، قابل بازیابی در: <https://www.alalamtv.net/news/4527671/>
- پایگاه خبری روسیا الیوم، قابل بازیابی در: https://arabic.rt.com/middle_east/989918
- پایگاه خبری الجزیره، قابل بازیابی در: <https://www.aljazeera.net/news/politics/>
- خبرگزاری آناتولی، قابل بازیابی در: <https://www.aa.com.tr/ar/1345312>
- خبرگزاری آنا، قابل بازیابی در: <https://ana.press/fa/news/33/260520>

